

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۵

جمعه ۳۰ آذر ۱۳۹۷، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸

کارگر و کمونیسم

بیش از هر زمان

به هم تنیده شده اند

اصغر کریمی

کیفرخواست کل جامعه علیه وضع موجود را در خیابان‌ها اعلام میکنند و مردم را به صفوف خود فرامیخوانند. به مردم شهر فراخوان تعطیلی میدهند و مردم با احترام به فراخوان آنها پاسخ میدهند. اعلام شورا میکنند و دانشجویان در اقصا نقاط با پاسخ به ندای آنها پرچم اداره شورایی را به اهتزاز درمیآورند و سرود فرزند کارگرانیم کنارتان میمانیم سر میدهند. کارگران فارس و عرب و بختیاری متحد میشوند و دست رد به سینه قومپرستان و هویت

نسیم تازه ای در جنبش کارگری وزیدن گرفته است. کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نمونه هایی به یاد ماندنی را مقابل دید همگان گذاشته اند. فرهنگی مدرن و کارساز و پیشرو بر اعتصابات و تجمعات اعتراضی آنها حاکم شده است. زنان در صف اول راهپیمایی کارگران اعتصابی حضور می یابند. کارگران شاخه گل به دانشجویان اهدا میکنند و سرود همبستگی با دانشجویان میخوانند. رهبران کارگری

صفحه ۲

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران:

علیه تهاجم حکومت به کارگران فولاد

اهواز قویا بایستیم!

صفحه ۷

یورش جمهوری اسلامی به کارگران اعتصابی فولاد و نیشکر را محکوم کنید!



کارگران زندانی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند!

صفحه ۳

جامعه نیازمند رهبری است

که انسانیت را نمایندگی کند

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در پلنوم ۴۹ کمیته مرکزی حزب

طبقه کارگر مهر خود را بر جنبش سرنگونی میزند

گزارش هیئت اجرایی به نشست کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

اصغر کریمی

صفحه ۴

شهرام دانشفر

کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۵

سمینار "زنان"، انقلاب زنانه و

جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی، ۸ دسامبر ۲۰۱۸

* دختران خیابان انقلاب، انقلاب زنانه و

جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی

شیرین شمس

صفحه ۸

* موقعیت جنبش زنان و

رشد و رشد تشکل یابی در این عرصه

شهرام دانشفر

صفحه ۱۰

* فمینیسم پست مدرنیستی و

جنبش نوین رهائی زن در ایران

حمید تقوایی

صفحه ۱۳

فاجعه ای دیگر، مدرسه ای دیگر، و کودکانی دیگر

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۵

اطلاعیه های حزب:

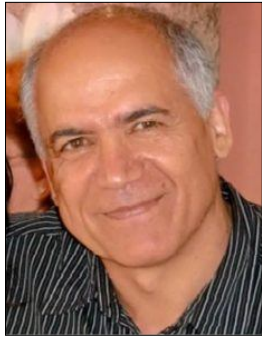
صفحه ۱۶

تجمعات بازنشستگان در رشت و کرمانشاه کارگران فولاد اهواز خواستار آزادی فوری همکاران خود هستند فراخوان کارگران فولاد اهواز به تجمع در مقابل دادگاه برای آزادی بازداشت شدگان لیستی از حمایت ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز تمام بازداشت شدگان بازداشتی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد شوند پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران باید فوراً بسته شود آخیری از جنبش کارگران و معلمان تجمع قریب سه هزار نفر از بازنشستگان مقابل مجلس اسلامی معلم زندانی، کارگر زندانی آزاد باید گردد تجمعات اعتراضی بازنشستگان در اصفهان، یزد و ابهر اعتصاب اخطاری رانندگان کامیون و کامیونداران

اطلاعیه های دیگر:

صفحه ۱۹

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۱۲ سپیده قلیان، آزاد شد، آزادی او را به همگان تبریک میگوییم به خواست خانواده بهنام ابراهیم زاده وسیعاً پاسخ دهیم ۴ کودک دانش آموز در آتش سوزی مدرسه سوختند! آموزش و پرورش مسئول مستقیم جان باختن این کودکان است! باز هم فاجعه! باز هم آتش سوزی در مدارس آرام محمدی و امیر چمنی باید فوراً آزاد شوند



تحویل کرده اند. حقانیت حزب کمونیست کارگری که چند دهه برای این آرمان ها جنگیده و تاثیرات عمیقش را امروز بیش از هر زمان در فضای سیاسی، در فرهنگ مردم و بویژه در جنبش کارگری میبینیم، امروز هزار بار بیشتر نمایان میشود. به حزب سیاسی و طبقاتی خود پیوندید. دوستان و اعضای خانواده تان را تشویق کنید که به حزبشان پیوندند. خواهید دید که چگونه جامعه به سرعت بلند میشود و با تمام قوا حول یک رهبری شایسته و آماده به میدان میاید و بساط این نظام و حکومت را در هم خواهد پیچید. تک تک اعضا و دوستداران حزب را فرامیخوانم که با انرژی هر چه بیشتری و با اعتماد بنفس و حقانیت هر چه بیشتری، جایگاه حزب و ضرورتش را برای توده های بیباخته روشن کنند، نیرو بگیرند و جمع ها و واحدهای حزبی را در هر کارگاه و کارخانه و محله و مدرسه و دانشگاهی ایجاد کنند. دوره عروج کمونیسم است. مطلقا نباید این فرصت را از دست داد. *

بنا کند. این نیرو باید حول حزب طبقاتی خود متحد شود تا هیچ نیرویی و هیچ درجه سرکوبی قادر به جلوگیری از روند جلو آمدن آن و زیر و رو کردن این نظام نکبت بار نباشد. طبقه کارگر باید قدرت سیاسی را بگیرد تا جامعه را از شر این نظام خلاص کند، امکانات عظیم اقتصادی این جامعه را از چنگ اقلیت درآورد و به استعمار و مالکیت یک قشر مفتخور بر وسایل تولید و همه مشقات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ناشی از آن پایان دهد و آزادی و رفاه و عدالت و خوشبختی را برای همه مردم در این کشور حاکم کند. و اینکار بدون حزبی که طبقه کارگر را نمایندگی کند امکانپذیر نیست. تشکل و حزب را باید به گفتمان اصلی جامعه تبدیل کرد و جنبش سازمانیابی توده ای و حزبی را در سراسر کشور دامن زد. امروز شرایط بیش از هر زمان برای شکل گیری این جنبش آماده شده است. وقت آن است که کمونیست ها و پیشروان طبقه کارگر دست به کار شوند و به این معضل تاریخی طبقه کارگر پایان دهند.

جامعه تشنه برابری و سوسیالیسم است. تشنه رهایی از خرافه و مفتخوری و زورگویی است. تشنه رهایی از مذهب و زن ستیزی است. تشنه آزادی و رفاه و عدالت و انسانیت است. تشنه یک دنیای بهتر است. این تنها راه پایان دادن به جهنمی است که سرمایه داری و حکومت اسلامی اش به این جامعه

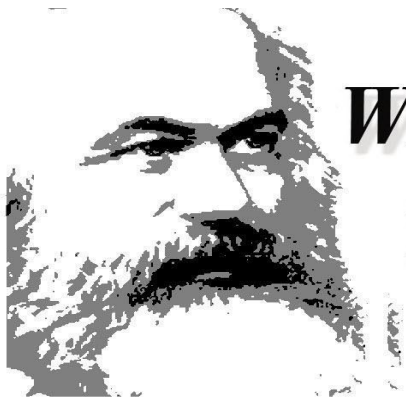
کارگر و کمونیسم بیش از هر زمان...

از صفحه ۱

سکه یک پول میکنند. در طرفی دیگر رانندگان کامیون نویدبخش اعتصابات سراسری میشوند و موجی از همبستگی به خود جلب میکنند. تصویر از طبقه کارگر و مبارزاتش در اذهان میلیونی مردم عوض شده است.

هر اعتصاب و تجمعی الگویی جدید را به نمایش درمیآورد و به سرعت شعارها و شیوه های هر مبارزه ای مانند موجی سد سرکوب و سانسور حکومت را میشکند و به بخش های دیگر طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در مراکز و شهرهای دیگر سرایت میکند. مردم تشنه آزادی و عدالت، از هر ابتکار مبارزاتی الگو میگیرند و در نقطه دیگری آنرا خلاقانه به کار میگیرند. شعارها و روش های تازه مبارزه را از هم فرامیگیرند و به شکل هم درمیآیند و جهانشمولی و وجوه مشترک طبقاتی و انسانی خود را در مقابل اقلیت حاکم و همینطور در مقابل جنبش های ارتجاعی دیگر که هویت های کاذب را باد میزند، تحکیم میکنند. امواج همبستگی انسانی به هم میپیوندند و قلب ها را به هم پیوند میدهند. خواست ها یکی است، آرمان ها یکی است، دشمن یکی است. و چنین است که موجی از امید و خوشبینی در اعماق جامعه، در میان هیچ بودگان، شکل گرفته است.

سازان ناسیونالیست میزنند. با شعارهای کوبنده، نفرشان را علیه ریاکاران مذهبی و دزدان حاکم اعلام میکنند. مقامات را به چالش میکشند و سیاست های منطقیه ای حکومت را افشا میکنند. هویت چهل ساله حکومت و بنیانگذاران حکومت را با شعار دشمن ما همینجا است به ریشخند میگیرند. با شعار نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد ماهیت سرکوبگرانه حکومت و بی تاثیری آنرا در عزم و اراده خود به نمایش میگذارند و با شعار دانشجوی زندانی آزاد باید گردد و زندانی سیاسی کارگر زندانی آزاد باید گردد یک خواست اساسی کل جامعه را نمایندگی میکنند. با سخنرانی های آتشین و طبقاتی خود نیروهای سرکوب حکومت را خجالت میدهند و خنثی و زمینگیر میکنند. و معلمان، بخش دیگری از طبقه کارگر، دست به اعتصاب سراسری میزنند و در حرکتی زیبا و با بلند کردن پرچم تحصیل رایگان، درمان رایگان و آزادی تشکل و معیشت منزلت حق مسلم ما است، همبستگی میلیون ها دانش آموز و خانواده های آنها را به خود جلب میکنند. بازنشستگان علیه حقوق های نجومی و شکاف طبقاتی و علیه اختلاس و بی کفایتی حکومتیان در مقابل «خانه مفتخوران و قانون نویسان سرمایه داران» تجمع میکنند و با شعار حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز، آیت الله های مفتخور را



WE STILL NEED *MARX*
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

جامعه نیازمند رهبری است که انسانیت را نمایندگی کند

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در پلنوم ۴۹ کمیته مرکزی حزب



انقلاب ایران است.

من در آغاز پلنوم گفتم ما تضمین و تعهد میدهیم. میخواهم از شما بپرسم آیا این کار را میکنیم؟ آیا حزب ما این تضمین و تعهد را میدهد؟ این پلنوم باید آغاز این عروج باشد. این پلنوم باید حزب را بلند کند. در آغاز پلنوم گفتم باید متناسب با شرایط قد راست کنیم و بلند بشویم و نقش جدید خودمان را دریابیم. این پلنوم باید تولد جدیدی برای حزب باشد. جواب دادن به این اوضاع کاری هرکولی است. ما در کوله بارمان تجربه انباشته کرده ایم، تجربه غنی ای داریم، برنامه یک دنیای بهتر را داریم، سیاستهایش را داریم ولی آیا نیروی انسانی که قد راست کند، کمر سفت کند، آستین بالا بزند و این امر خطیر را به پیش برد را هم، داریم؟ این سؤال من در مقابل شماست. اینجا حرفهای پرشور میزنیم ولی نمیخواهیم تهییج بشویم، میخواهیم عملاً به وظایف خطیری که مقابل ماست پاسخ بدهیم. من تا آنجا که توان دارم، با تمام توانانیم تلاش میکنم حزب بلند بشود و این امر تاریخی را به سرانجام برساند. متشکرم.

نامیده میشود تاکید نشده است. وقتی کارگر هفت تپه و فولاد در عملش این را میگوید شما باید این را معنی کنید. باید بسطش بدهید، هفت تپه را تبدیل کنید به پرچم جامعه ایران. پرچم هشتاد میلیون مردم ایران. این امر حزب ما از ابتدای زاده شدن بوده امروز روز جنگ نهایی است. امروز روزی است که ما و طبقه مان در خیابانها یکدیگر را ملاقات میکنیم. و همدیگر را در می یابیم و در کنار هم قرار میگیریم و یک جامعه هشتاد میلیونی را آزاد میکنیم. و وقتی این اتفاق بیفتد نه تنها یک جامعه هشتاد میلیونی آزاد شده بلکه پرچم و افق و امید تازه ای مردم زیر پا له شده در سراسر دنیا پیدا خواهند کرد، هیچ بودگان جهانی پیدا خواهند کرد، نود و نه درصدیهای جهان پیدا خواهند کرد. اگر هفت تپه "رهبری با نمونه" در ایران است، انقلاب ایران "رهبری با نمونه" در جهان خواهد بود. و همه به آن اقتدا خواهند کرد. و همه از آن الهام میگیرند. همه از آن نیرو میگیرند و تمام این بساط یک درصدیهای مفتخور جهان را جمع میکنند. این جایگاه انقلاب ایران است و این جایگاه حزب ما در

به صف نود و نه درصدیها خواهند پیوست و دیگر تبعیض و درصدی نداریم. جامعه انسانی داریم. جامعه سوسیالیستی چیزی جز جامعه انسانی نیست. و امروز جامعه ایران دارد این را فریاد میزند و کارگر هفت تپه و فولاد با اعتصاب خودش دارد این را نمایندگی میکند.

بنابراین به دستاورد همگانی کردن گفتنمان شورا و اداره شورائی این را هم باید افزود. اداره شورائی همه مردم، فارس و کرد و عرب و بلوچ و آذری و هر کس با هر هویتی که به او منسوب کرده اند را در کنار هم قرار میدهد و اعلام میکند ما همراهیم، هم هدفیم، همزمیم. این مدل است که باید جامعه هشتاد میلیونی ایران دنبال کند. جامعه باید رهبری و حزبی را انتخاب کند که این آمال و افق و هدف مشترک همگانی را نمایندگی میکند و نه حزبی که میخواهد استانداری گیلان را به حکومت فدرال گیلان تبدیل کند. اگر کارگر این را در عمل میگوید ما باید این را به زبان بیاوریم، باید ترجمه و تبیین کنیم، باید به جامعه بگوئیم اینست پیام هفت تپه. مردم ایران! مردمی که شما را "کثیر المله" مینامند. مردمی که میگویند هر کدام امر خودتان را دارید و گویا درد ما مردم اینست که باندازه کافی تفاوتیایمان برجسته نشده است! یا دردمان اینست که باندازه کافی بر هویت فارس و عرب و کرد و لر و بلوچ و ترک تاکید نشده است. واقعیت بر عکس است. مساله اینست که باندازه کافی بر هویت مشترک انسانی ما نه تنها در ایران بلکه در جامعه ای که کره ارض

اجتماعی بخش شده و اینجا دیدیم به چند زبان و لهجه محلی خوانده میشود. و این هم یک دستاورد جنبش کارگری است بویژه وقتی آنرا در مقابل سمینار کذائی دموکراسی خواهان کلن که دو ماه قبل برگزار شد قرار بدهید. سمیناریکه میخواست جامعه ایران را شقه شقه کند و به هر کس یک کرسی وزارت و حکومت بدهد در کهنکیلویه و بویراحمد و خوزستان و کردستان و آذربایجان و غیره. در برابر اینها کارگر هفت تپه به چند زبان یک سرود را میخواند. و یک خواست را اعلام میکند. این عمل در اصطلاح انگلیسی **lead by example** خوانده میشود. یعنی رهبری با الگو دادن. کارگر هفت تپه فولاد اهواز با نمونه ای که بدست میدهد اعلام میکند رابطه میان مردم متناسب به مذاهب مختلف و ملل و اقوام مختلف چه باید باشد. ممکن است با چندین زبان صحبت کنیم ولی یک سرود و یک شعار و یک خواست داریم. کارگر هفت تپه و کارگر فولاد نشان میدهد به چه سمتی باید رفت، باید به ریشه و درد مشترک دست برد و این امر ما بوده است. امر چند دهساله حزب ما بوده است. تاکید بر ارزشهای جهانشمول انسانی. وقتی از انسانیت و کمونیسم صحبت میکنیم - این را بارها گفته ایم - راجع به یک انسانیت پا در هوا و لاهوتی، در مورد اخلاقیات و فضیلتها و غیره صحبت نمیکنیم، از جوهر و هویت عینی و واقعی همه انسانهای دنیا صحبت میکنیم که امروز نود و نه درصدیها نامیده میشوند. آن یک درصد هم از آن موقعیت خلع بشوند نسل بعدیشان

پلنوم را با این صحبت شروع کردم که جامعه دارد ما را فرامیخواند. شرایط و تحولات شورانگیزی که امروز در جامعه می بینیم و جنبش کارگری و رهبران جنبش کارگری نقش تعیین کننده ای در آن دارند، از آسمان نازل نشده است. این شمره یک دوره کار بیگیر و همه جانبه حزبی است که حزب کمونیست کارگری نامیده میشود. از سر بلند کردن دختران خیابان انقلاب، تا همگانی شدن گفتنمان اداره شورائی، تا بمیدان آمدن خانواده های کارگری، تا رو بجامعه سخن گفتن و فراخوان دادن چهره ها و رهبران کارگری، تا گسترش مبارزه علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی، در دفاع از پناهندگان، بازتاب اینها در خارج کشور و جوابی که خارج به این حرکتها میدهد، تمام اینها را که در نظر بگیریم میبینیم که چطور این حزب خشت روی خشت گذاشته است و جنگیده است و جلو آمده است. این موقعیتی است که ما به چپ داده ایم در ایران و به نظر من در یک سطح جهانی. در سخنرانی افتتاحیه گفتم جامعه وارد فاز جدیدی میشود که باید حزبی پیدا کند. باید حزب معینی تبدیل بشود به چهره و نماینده سیاسی این حرکت. و ما برای ایفای این نقش باید آماده بشویم.

نکته ای که در افتتاحیه فراموش کرده بودم در مورد اهمیت مبارزات کارگران بویژه اعتصاب هفت تپه بگویم و رفقا به من یادآوری کردند اینست که در هفت تپه کارگر فارس عرب، لر، متحد و کنار هم ایستاده اند. و سرودی که در حمایت هفت تپه در مدیای

اگر هفت تپه "رهبری با نمونه" در ایران است، انقلاب ایران "رهبری با نمونه" در جهان خواهد بود. و همه به آن اقتدا خواهند کرد. و همه از آن الهام میگیرند. همه از آن نیرو میگیرند و تمام این بساط یک درصدیهای مفتخور جهان را جمع میکنند. این جایگاه انقلاب ایران است و این جایگاه حزب ما در انقلاب ایران است.

طبقه کارگر مهر خود را بر جنبش سرنگونی میزند گزارش هیئت اجرایی به نشست کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

اصغر کریمی

گزارش کتبی هیئت اجرایی قبل از برایتان ارسال شده است و من اینجا بر خلاف پلنوم های قبلی کمیته مرکزی، گزارش را بصورت شفاهی و فشرده تر به شما تقدیم میکنم. گزارش اکثر ارگان ها را قبل از ۶۰ صفحه برایتان ارسال کرده ایم و من اینجا وارد گزارش ارگان ها و عرصه های مختلف فعالیت نمیشوم. گزارش کمیته سازمانده حزبی در ایران، کمیته کردستان، کمیته آذربایجان، کمیته خارج، سازمان جوانان کمونیست، تلویزیون کانال جدید، نشریه انترناسیونال و کارگر کمونیست، دفتر افغانستان و مشخصا برنامه تلویزیونی با هم، فعالیت های بین المللی و فعالیت های مینا احدی، و همینطور گزارش فعالین حزب در عرصه علیه اعدام، زندانیان سیاسی، عرصه پناهندگی و همبستگی کارگری را قبلا دریافت کرده اید. گزارش فعالیت علیه اسلام سیاسی و گزارش فعالین حزب در عرصه کودکان به دست من نرسید. گزارش مالی هم خیلی فشرده در گزارش کتبی هیئت اجرایی به اطلاعاتتان رسانده شده. بعلاوه اینجا مسئولین عرصه های مختلف گزارش تکمیلی میدهند و به سوالات شما جواب داده خواهد شد. اما در این فاصله هفت ماهه از پلنوم ۴۸ تا الان در ایران چه گذشت؟

همانطور که حمید تقوایی در سخنرانی افتتاحیه اش گفت در پلنوم قبل که دو سه ماه بعد از خیزش دیماه بود اشاره کردیم که خیزش دیماه نقطه عطفی در مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی بود. تحلیل مان این بود که مبارزه قطبی تر میشود، عمیق تر و طبقاتی تر میشود، به عرصه های مختلف کشیده میشود و جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود جلو گسترش اعتراضات را بگیرد. تاکید کردیم که فضای چپ بر اعتراضات حاکم است، خود اتفاقات دیماه را هم گفتیم یک

رویداد چپ بود. شبیه يك انقلاب و حرکت از پایین مردم بود، تعرض به ارگان های مذهبی و نیروهای سرکوب حکومت بود، ادامه اعتصابات گسترده کارگری و جنبش های حق طلبانه مردم بود و نه مهندسی شده از بالا. چهارجا هم شعارهایی مثل رضا شاه روح شاد باد داده شد اما این مساله خیلی حاشیه ای بود و مطلقا خصلت نمای خیزش دیماه نبود. حرکت مردمی بود که آرمان های آزادیخواهانه و برابری طلبانه، علیه فقر و تبعیض و بی حقوقی و سرکوب دارند و اینها همه خاستگاه چپ دارد. سیر تحولات این دوره عمیقا حقانیت تبیین حزب را نشان داد. تبیین حزب با تحلیل تقریبا همه جریانات دیگر تفاوت داشت. اگر یادتان باشد همین شعاری که برای رضا شاه در دو سه تظاهرات در دیماه داده شد توسط رسانه های دست راستی برجسته شد و بخشی از چپ هم متاسفانه فکر کردند چپ کاره ای نیست و دست بالا در اعتراضات ندارد، چپ پراکنده و متفرق است و راست دارد میاید. و با این تحلیل غلط، در تظاهراتی که سازمان دادند نصف شعارشان را متوجه اپوزیسیون راست کردند و در واقع آنرا بزرگ جلوه دادند. هم تحلیل غلط و هم متد و استنتاجی غلط. تبیین ما متفاوت بود. گفتیم دیماه کاملا چپ بود و ادامه اش عمیق تر و رادیکال تر میشود و در این دوره خیلی شفاف اینطور شد. ما را به خوشبینی درمورد موقعیت چپ متهم کردند، گفتند مشکلات را نمی بینید، راست را نمی بینید، چپ وضعش خوب نیست و ما خلاف اینرا گفتیم. گفتیم چپ بر اعتراضات حاکم است. درست است که جامعه هنوز در مقیاس ماکرو بین چپ و راست انتخابش را نکرده است اما يك کشمکش در جریان است و چپ يك پای مهم و قدرتمند در این کشمکش است و در اعتراضات چپ کاملا حاکم است. هیچ شعار قومپرستانه و مذهبی در دیماه داده نشد، در اعتراضات کارگران و معلمان و دانشجویان و مالباختگان و غیره هم از این

اگر یادتان باشد چند ماه پیش جریانی ارتجاعی و دست راستی به نام فرشگرد را آوردند، رسانه های فارسی زبان دست راستی تا توانستند آنها را باد کردند انگار تصمیم سراسری گرفته بودند که در هماهنگی با هم و بلافاصله شروع به مطرح کردن آنها کنند تا آنرا به خورد جامعه بدهند. پلاتفرم این جریان علیه جمهوری اسلامی و همزمان علیه کمونیسم بود. تبیین ما این بود که بدلیل قدرت کمونیسم در ایران است که این جریان با هویت ضد کمونیستی خود را مطرح میکند. گفتیم کارش نمیگردد، با روند انقلابی جامعه تناقض دارد، با سیر عمیق تحولات جامعه و اعتراضات وسیع و آزادیخواهانه مردم تناقض دارد و بادش زود خالی میشود. متاسفانه خیلی از جریانات چپ نگران شدند، و این پدیده را نشانه اینکه چپ کاره ای نیست معرفی کردند و ما گفتیم حاشیه ای میشود، حاشیه ای هست و به جایی نمیرسد و بادش سریع خالی شد. اگر یادتان باشد بعد از کنفرانس برلین رسانه های حکومت از حزب اسم آوردند ولی خیلی زود متوجه شدند که نباید از حزب اسم بیاورند چون هر جا با استناد به فعالیت های ما علیه ما حرف بزنند حزب را بیشتر در جامعه مطرح میکنند و بنظر میرسید که طبق بخشنامه ای سراسری سعی کردند تا جایی که میتوانند از حزب و از کمونیسم حرفی نزنند و فعالیت های ما را به اسم منافق که جریان بدنامی است معرفی کنند. این دوره



بخشی یعنی معرفی فعالین و چهره های جنبش کارگری به جامعه کوبیدیم، مجمع عمومی و شورا و اهمیت حضور خانواده های کارگری را مطرح کردیم، بر همبستگی جامعه با کارگران تاکید کردیم، تلاش کردیم کارگران پرچم خواست های عمومی جامعه را بلند کنند و اتفاقی که با قدرت در این چند ماه افتاد همین بود. در این دوره اعتصابات سراسری را برجسته کردیم، بلافاصله با اعتصابات سراسری و قدرتمند رانندگان کامیون مواجه شدیم، با اعتصابات سراسری معلمان و اعتصاب سیاسی در کردستان و اعتصاب سراسری کارگران راه آهن و قبل ترش اعتصاب سراسری کارگران مخابرات روبرو شدیم. جامعه به این سمت رفت. شوراها هماهنگی رانندگان کامیون در این دوره شکل گرفت، شورای هماهنگی اعتصاب کارگران راه آهن و سپس شورای کارگران هفت تپه را داشتیم. فولادی ها گفتند باید شورا درست کرد. و الان اداره شورایی به گفتمان جامعه تبدیل شده است. نکته قابل توجه دیگر تاکید بی وقفه ما در ده پانزده سال گذشته بر حضور خانواده های کارگری در تجمعات بوده

مجبور شدند کمونیسم را به رسمیت بشناسند. اینرا روزنامه رسالت گفت که اعتصابات هفت تپه کارگری کمونیستی است، امام جمعه شوش گفت کمونیستی است، اقتصادنامه چند مطلب علیه نو چپ ها نوشت که اینها مشخصات جدیدی دارند با چپ قدیم فرق دارند، اینها با عرصه حقوق کودک و زن و کارگر و محیط زیست و غیره کار دارند و بی بی سی این روزها گفته است که مارکسیست ها در دانشگاه ها حاکم شده اند. در واقع دوره ای است که کارگر و کمونیسم به میدان آمده و مجبور شده اند اینرا به رسمیت بشناسند. این اتفاق مهمی است که در این چند ماه افتاد.

جنبش کارگری همچنان رکن اصلی جنبش آزادیخواهانه باقی ماند و در این دوره مهر خودش را بر جنبش عمومی سرنگونی طلبانه زد. اما تبیین ما چه بود. چند دهه گفته ایم کارگر طبقه ای اجتماعی است و به همه مسائل اجتماعی کار دارد و همه مسائل اجتماعی و همه ستم ها به او مربوط است، رهبران خودش را دارد، شبکه های خودش را دارد، متمیزه نیست و با همین تحلیل در سالهای گذشته بر تعیین

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

کارگران گروه ملی، بازداشتها، حمایتها

بدنبال ۳۶ روز مبارزه جانانه کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای پیگیری خواستههایشان حکومت اسلامی نگران از ابعاد اجتماعی مبارزات این کارگران در روزهای بیشت و ششم و بیست و هفتم آذرماه دست به دستگیری های شبانه زد و در جریان آن ۴۱ نفر از کارگران بازداشت شدند. این دستگیری ها به خشم کارگران بیشتر دامن زد و روز بعدش کارگران فولاد با شعارهای دزدان بیروند، کارگران زندانند، کارگر زندانی آزاد باید گردد، به خیابان آمدند. در آن روز کارگران مجمع عمومی خود را برگزار کردند و یک تصمیم آنها این شد که تا آزادی همکارانشان حاضر به هیچ مذاکره ای بر سر خواستههایشان نیستند. از جمله در این مجمع استانداز حضور یافت و با دادن وعده هایی از کارگران خواست که سر کارشان بازگردند، اما جلسه به صحنه اعتراض کارگران تبدیل شد. در ادامه این اتفاقات اعلام شد که تعدادی از کارگران با قرار کفالت آزاد میشوند. کارگران اعلام کردند که باید همه بازداشت شدگان آزاد شوند و در روز بیست و هشتم تعدادی از آنان با فیش های حقوقی خود برای گذاشتن وثیقه برای آزادی همکاران بازداشتی شان به دادگاه رفتند. اما آنجا اعلام شد که فیش های حقوقی کارگران فولاد برای گذاشتن وثیقه قابل قبول نیست. کارگران نیز کوتاه نیامدند و بلافاصله به همکارانشان و مردم فراخوان دادند که برای آزادی بازداشت شدگان مقابل دادگاه جمع شوند. در نتیجه مقامات حکومتی عقب نشستند و در همانروز ده نفر از کارگران آزاد شدند و یکنفر از آنان نیز در شب قبلش آزاد شده بود. بدین ترتیب سی نفر دیگر در بازداشت مانده اند که به آنها گفته شده است که طی روزهای شنبه و یکشنبه و هفته آینده آزاد خواهند شد. اما کارگران به ادامه این بازداشتها اعتراض داشته و تصمیم برای چگونگی ادامه اعتراضاتشان

برای آزادی همکاران بازداشتی خود را به تصمیم مجمع عمومی شان واگذار کردند.

از سوی دیگر صبح روز ۲۸ آذر از سوی دادگستری شهرستان شوش به آن دسته از کارگران نیشکر هفت تپه که در طول اعتصاب جانانه ۲۸ روزه شان بازداشت شده بودند، اس ام اس هایی ارسال شده و در آن گفته شده است: "قرار نهایی برای پرونده شما صادر شد". علاوه طی تماسی تلفنی از سوی ستاد خبری اداره اطلاعات شوش با نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و فعالین کارگری این شرکت، تعداد چشمگیری از آنان به احضار شده اند.

واقعیت اینست که کارگران نیشکر هفت تپه و در کنار آن گروه ملی فولاد اهواز با مبارزات خود دستاوردهای بزرگی برای جنبش کارگری و مبارزات همه مردم داشته اند. این کارگران با اعتراضاتشان گفتمان های آزادیخواهی، برابری طلبی و اداره شورایی را به جلوی صحنه جامعه کشاندند و با این گفتمانها کارگر و چپ در جلوی صحنه سیاسی جامعه قرار گرفت. این چنین است که امروز نیشکر هفت تپه و در کنار آن فولاد ملی اهواز دو سنگر مهم جنبش کارگری و مبارزات کل مردم هستند و باید با تمام قوا و با حمایت های وسیع اجتماعی و بین المللی خود در حفظشان بکوشیم و همه جا را به نیشکر هفت تپه و گروه ملی تبدیل کنیم. حکومت اسلامی با دست بردن به ابزار همیشگی سرکوب و دستگیری ها می کوشد تا بلکه به هر شکل که شده دامنه اعتراضات کارگران فولاد را محدود کند و در عین حال جلوی از سرگیری مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را بگیرد. اما نکته مهم اینجاست که پیشروی های نیشکر هفت تپه و گروه ملی را با هیچ درجه ای از سرکوب و دستگیری نمیتوان به عقب زد و مبارزات این کارگران تا همین جا شکست بزرگی برای حکومت اسلامی بوده است. بویژه امروز این کارگران در حلقه حمایت وسیع کارگران و بخش های مختلف مردم

قرار دارند. امروز طنین صدای اعتراض این کارگران را قدرتمند و رسا در دانشگاه ها و در میان بخش های مختلف جامعه میتوان شنید. این همبستگی ها بیش از هر چیز هم سرنوشتی طبقاتی ۹۹ درصدی های جامعه را به نمایش میگذارد. تمامی بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز باید آزاد شوند. علی نجاتی و عسل محمدی دو نفر از بازداشت شدگان دیگر نیشکر هفت تپه که همچنان در زندانند باید فوراً آزاد شوند و به احضار کارگران و تهدید آنان به دستگیری و امنیتی کردن مبارزات باید فوراً خاتمه داده شود.

موج همبستگی با کارگران فولاد و نیشکر هفت تپه، نمایشی از همسرنوشتی طبقاتی

جمهوری اسلامی با سرکوب و زندان میکوشد اعتراضات کارگران و مردم معترض را عقب بزند. با این کار حکومت در این حال تلاش دارد که جلوی سازمانگری اعتراضات و پیشروی آنها را بگیرد. اما نکته مهم اینجاست که جنبش سرنوشتی امروز در مکان دیگری قرار گرفته است. بویژه خیزش دی ماه مردم، تحول عظیمی در حرکت این جنبش بود و شتاب هر روزه اوضاع و قد علم کردن کارگران در چنین قامتی و نمونه های درخشانی چون نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و تجمعات چند هزار نفره بارنشتستگان در همین هفته در کنار جامعه ای که دارد از اعتراض میجوشد، بیش از پیش چشم انداز انقلاب را در آینده نزدیک قرار داده است. استیصال حکومت را در برابر چنین اوضاعی به روشنی میتوان دید. نمود آن در اظهارات تک تک حکومتیان و تشدید جدالیانشان به روشنی دیده میشود. از جمله در همین اعتراضات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز دیدیم که چگونه حتی جامعه روحانیت و طلبه هایشان در قم ناگزیر شدند در حمایت از کارگران و اینکه کارگر حق دارد اعتراض کند، سخن گفتند. حتی رسانه های بورژوازی در برابر این اتفاق عظیم سر تعظیم



۱۴۰ کشور) خطاب به حسن روحانی با خواست آزادی کارگران بازداشتی فولاد و پاسخگویی به خواسته های کارگران در بیست و هشتم آذرماه است. تاکید آخر اینکه این همبستگی نقش مهمی در حفظ این سنگرهای مهم جنبش کارگری و مبارزاتی ما مردم و تبدیل آنها به سکوی پرشی برای پیشروی های بیشتر است. به این موج همبستگی مبارزاتی وسیعاً پیوندیم.

وثیقه نه،

آزادی بدون قید و شرط

"آزادی" با وثیقه یعنی، آزادی موقت زندان از بازداشت. "آزادی" با وثیقه یعنی باز گذاشتن پرونده قضایی تشکیل شده برای زندانی برای اینکه او را در چنگ خود داشته باشند و هر گاه احساس خطر کردند و لازم دیدند، مورد تعرض قرار دهند. "آزادی" به قید وثیقه یعنی نگاهداشتن چماق سرکوب و زندان بر روی سر زندانی و در نتیجه بر روی سر کل جامعه. جمهوری اسلامی برای عقب زدن مبارزات کارگران و مردم معترض دست به دستگیری میزند. بعد نیز بازداشت شدگان را مشروط و با به قید وثیقه آزاد میکند، تا مبادا بعد از کار همواره حضور خود را در زندگی و فعالیت آنها حفظ میکند. وثیقه در واقع يك شکل محرومیت اجتماعی زندانی است. جمهوری اسلامی امروز بر اساس همین سیاست کارگران هفت تپه را با وثیقه آزاد میکند و بعد هم که اوضاع کمی آرام گرفت، احضار میکند تا به زعم خود گوش مالی بیشتری به او بدهد و فضای رعب و وحشت را شدت دهد. کارگر گروه ملی و هپکو و دهها و صدها کارگر و فعالین اجتماعی دیگر به هیم منوال. در برابر این سیاست باید جنبشی بر پا کرد. وثیقه باید ممنوع شود. و این را باید به

از صفحه ۴ طبقه کارگر مهر خود را...



است، چون کارگر را یک طبقه اجتماعی میدانیم که فقط در کارخانه استثمار نمیشود، و فقط مسائل صنفی و درون کارخانه ای ندارد، سعی کردیم اهمیت اعتراض کارگر و خواست کارگر را از چهارچوب کارخانه بیرون بکشیم و در مورد اهمیت خانواده های کارگری تا توانستیم تاکید کردیم. در دو سه سال گذشته حضور خانواده ها بطور چشمگیری گسترش یافت و سال گذشته ما اعلام کردیم که این بعنوان یک سنت در جنبش کارگری تثبیت شد. هیکو حضور خانواده ها را یک قدم به جلوتر برد و در هفت تپه و فولاد صدبار بیشتر اهمیتش در سطح جامعه آشکار شد و هر ناباوری قبول کرد که این یک موضوع مهم در جنبش کارگری است. در واقع آنچه میگفتیم و سالها برای آن تلاش کرده بودیم را جنبش کارگری مهر محکمی بر آن زد. این پیشرفت بسیار بزرگی برای جنبش کارگری و حزب بود. تبیین های چند دهه گذشته حزب را جنبش کارگری در مقیاسی اجتماعی تثبیت کرد. جنبش کارگری به همان سمتی رفت که تئوری اش را داده بودیم، برای آن جدال سیاسی کرده بودیم، جواب دیگران را داده بودیم، کار میدانی مستمری کرده بودیم، کار تبلیغی کرده بودیم و همه جانبه و منسجم برای آن کار کرده بودیم.

یکی از اتفاقات مهم این دوره اعتصاب سیاسی ۲۱ شهریور در کردستان بود که حزب یک پای آن بود. اعتصابی که از همیشه سراسری تر و یکپارچه تر بود و به برخی شهرهای کرمانشاه و ارومیه هم رسید. این اعتصاب اولاً نشان داد که فضای حاکم بر اعتراضات در کردستان هم چپ است. نمیتوان در سراسر کشور فضای چپ بر اعتراضات را داشت اما در کردستان گفت ناسیونالیسم حاکم است. اعتصاب در کردستان در ده پانزده سال گذشته توسط جریانانات کمونیست فراخوان داده شده و در اعتصاب اخیر ناسیونالیسم هم پشت آن آمد. اما زمینه این اعتصاب با اعدام رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی شکل گرفت و مینا احدی نقش تعیین کننده ای در این کمپین جهانی داشت. اگر نقش مینا نبود اعدام رامین اینطور پر سر و صدا نمیبود. اعتصاب در کردستان این مهر را بر خود داشت و زمینه اش را این کمپین فراهم کرده بود. در دانشگاه ها هم کاملاً محسوس است که بعد از اتفاقات سالهای گذشته، فضا مجدداً به طرف چپ چرخیده و به موازات اعتصابات کارگری در ماههای اخیر چپ بار دیگر دارد عروج میکند و اکنون نقش سازمان جوانان کمونیست غیر قابل کتمان است. در عرصه جنبش رهایی زن نیز نقش جریان ما محسوس است.

خلاصه کنیم تحولات جنبش کارگری، تحولات در دانشگاهها و کردستان و بطور کلی در جامعه اعتبار زیادی به حزب و نقش حزب داد که تبیین عمیق و منسجمی از جامعه و روندهای آن داشت، پشتوانه عظیم تئوریک برای آن فراهم کرده بود و امروز این تبیین و تحلیل را خیابانها دارند صحتش را نشان میدهد. این تئوری ها امروز دارد اجتماعی و توده گیر میشود. سیر آتی تحولات را هم امروز میتوان با توجه به همین مشاهدات بخوبی مشاهده کرد.

اعتصاب، اعتصاب سراسری، خواست های کارگری، شورا و اداره شورایی، خانواده های کارگری، آزادی کارگر زندانی، مطالبات عمومی جامعه مثل تحصیل رایگان و درمان رایگان که پرچمش را معلمان و بازنشستگان در دست گرفته اند، و شعارهای سلبی اعتراضات علیه فساد و اختلاس و فقر و حقوق های نجومی به گفتمان های اصلی این دوره تبدیل شده اند و تمام اینها خاستگاه چپ و کمونیستی دارد. در واقع طبقه کارگر کلیت نظام را به چالش طلبیده و کل جامعه را از موضعی چپ نمایندگی کرده است. هیچکدام این خواست ها مربوط به ناسیونالیسم و ملی اسلامی ها و سلطنت طلب ها و ناسیونالیسم کرد و آذری و غیره نیست. به این معنی جنبش کارگری بیش از هر وقت با کمونیسم عجین شده است. اینها اتفاقات بسیار درخشان و مهمی است که باید مورد تعمق بیشتری قرار داد.

و بالاخره در مورد این سوال که حزب کمونیست کارگری در خیزش ۸۸ و دیماه ۹۶ پیدا بود یا نبود، گفتیم نمیشود نقش حزب را اینطور ارزیابی کرد. توازن قوا اجازه نمیدهد فعالین حزب به اسم حزب

روی چارپایه بروند و سخنرانی کنند. بنظر من تحولات ماههای اخیر بخوبی نشان داد که چگونگی و از چه مسیری کمونیسم و حزب به صحنه سیاسی میایند و نقش ایفا میکنند. این مساله مهمی است که باید روی آن کار کرد، این مساله استنتاجات نظری و سیاسی مهمی دارد که باید آنرا جمع بندی کرد.

هیچگاه در تاریخ صد ساله و چهل ساله ایران جنبش کارگری و کمونیسم چنین قدرتمند در صحنه سیاسی ایران حضور نداشته و چنین در هم تنیده نشده است. حاصل این وضعیت به حاشیه رانده شدن راست بوده است. بحث مطلقاً این نیست که این تثبیت شده است. باید کار خیلی زیادی در این راستا کرد اما مسیری که آمده ایم مسیر درستی بوده و همینطور که گفتم از یک پشتوانه عمیق تئوریک برخوردار بوده است. تمرکزهای دوره آتی و فعالیت سیاسی دوره بعد را نیز بر اساس همین تبیین و در همین راستا باید ادامه دهیم.

در انتها میخوامم بربیک نکته مهم تاکید کنم. ما تحلیل و تبیین درستی داریم. جامعه از تندپیچ های مهمی و با سرعت عبور میکند و اتفاقاً در همین تندپیچ ها است که اختلاف هم پیش میاید و در همین تندپیچ ها است که باید اتحاد و حزبیت را محکم گرفت. در سمنبار شب گذشته در مورد جنبش کارگری صحبت شد که در همین اعتصابات بزرگ اختلاف پیش میاید که باید به رسمیت شناخت و این وظیفه رهبران اعتصابات است که علیرغم اختلافاتی که در لحظات مختلف پیش میاید باید تلاش کنند که اتحاد در صفوف کارگران را حفظ کنند تا قوی تر بیرون بیایند. در مورد حزب هم همین صادق است. حزب ما امروز حول یک خط مشخص اتحاد

محکمی دارد و حول خط معینی دارد جلو میرود، روی خط معینی متحد است و این یک نقطه قوت حزب است اما باید بر اتحاد حزب و بر حزبیت تاکید صدباره کرد چون در همین دوره ها است که اختلاف هم بروز میکند و البته اختلاف کاملاً طبیعی است و باید کاملاً ریلکس و منعطف به آن برخورد کرد. اما در عین حال روی خط معینی باید کوبید و جلو رفت.

رفقا،

منصور حکمت ۱۸ سال قبل در کنگره سوم فراخوانش این بود که هر کاری دارید یک سال دو سال بگذارید کنار، در این دوره دریچه ای باز شده که باید با تمام قوا نقشمان را ایفا کنیم و این فرصت را از دست ندهیم. امروز صدبار بیشتر از کنگره سوم باید بر این تاکید کرد. محصول چهل سال فعالیت شبانه روزی را بیش از هر زمانی داریم میبینیم، دوره بسیار متحولی است، تاریخ جدیدی در ایران در حال شکل گیری است، خشت های سوسیالیسم و حکومت کارگری دارد روی هم گذاشته میشود، و الان وقتش است که حزب کمونیست کارگری تمام ظرفیتش را به کار اندازد چه در خارج کشور که در این دوره فعالیت های خوبی توسط تشکیلات خارج و نهادهای مختلف نزدیک به حزب، انجام شد و چه داخل کشور که اساس تمرکز ما را تشکیل میدهد.

زنده باد طبقه کارگر، زنده باد دانشجویان، زنده باد معلمان و بازنشستگان، زنده باد زنان، زنده باد رانندگان کامیون، زنده باد اعتصابات سراسری، زنده باد حزب کمونیست کارگری

۱۷ آذر ۱۳۹۷

(۸ دسامبر ۲۰۱۸)

هیچگاه در تاریخ صد ساله و چهل ساله ایران جنبش کارگری و کمونیسم چنین قدرتمند در صحنه سیاسی ایران حضور نداشته و چنین در هم تنیده نشده است. حاصل این وضعیت به حاشیه رانده شدن راست بوده است. بحث مطلقاً این نیست که این تثبیت شده است. باید کار خیلی زیادی در این راستا کرد اما مسیری که آمده ایم مسیر درستی بوده و همینطور که گفتم از یک پشتوانه عمیق تئوریک برخوردار بوده است. تمرکزهای دوره آتی و فعالیت سیاسی دوره بعد را نیز بر اساس همین تبیین و در همین راستا باید ادامه دهیم.

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران:

علیه تهاجم حکومت به کارگران فولاد اهواز قویا بایستیم!

کنند و از رفاه و زندگی انسانی برخوردار شوند. حکومت مافیائی و سرکوبگر و کل سیستم چپاول حاکم به قدرت انقلاب کارگران و توده مردم به زیاله دان تاریخ روانه خواهد شد. از دی ماه ۹۶ حرکت جامعه برای خلاصی از یکه تازی مفتخوران با گامهایی سنجیده آغاز شده است و بدون تردید تا سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه ای انسانی و آزاد ادامه خواهد یافت.

زنده باد کارگران فولاد اهواز!
پیش بسوی اعتصاب عمومی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آذر ۱۳۹۷، ۱۸ دسامبر
۲۰۱۸

بست رسیده اند و جامعه دارد از اعتراض و اعتصاب و راهپیمایی و حق طلبی میجوشد. ۴۰ روز است کارگران فولاد اهواز دارند فریاد میزنند و مقامات این حکومت تنها کاری که کرده اند اینست که مشغول تهدید و توطئه و نیرو جمع کردن برای حمله به کارگران شده اند.

کارگران فولاد اهواز و همینطور علی نجاتی و دیگر دستگیر شدگان هفت تپه باید فوراً آزاد شوند. تمام پرونده های امنیتی علیه کارگران باید لغو و بسته شود و پرونده سازیها علیه کارگران و معلمان و دیگر بخشهای مردم باید کلاً متوقف شود. کارگران و همه مردم حق دارند اعتصاب کنند، اعتراض

همه جا نشان میدهد که چماقی در دست چپاولگران علیه مردم و جزئی از باند دزدان مافیائی است که خود از سران و آقازاده های همین حکومتند و در این کشور شب و روز مشغول چپاول و دزدی و بالا کشیدن نان شب کارگران و اکثریت مردم هستند. کارگران را به حقوق چند بار زیر خط فقر محکوم کرده اند، شرایط برده وار کار را به کارگران و معلمان و پرستاران و اکثریت مردم در همه جا تحمیل کرده اند، و پاسدار و بسیج و گارد ویژه و نیروهای منفور ضد شورش سازمان داده اند تا کارگران و مردم نتوانند تکان بخورند. اما کل اوضاع جامعه نشان میدهد که این حاکمین مفتخور هستند که به بن

با کارگران و مردم نیست. اگر جمهوری اسلامی فکر میکند میتواند با اتکا به یک مشت بسیجی و پاسدار و اوباش و نیروی مسلح، در جنگ رو در رو با همه کارگران و مردم برنده شود تجربه همه دنیا نشان میدهد که کور خوانده است و ما هم یک بار دیگر در این کشور این را به مفتخوران جنایتکار ثابت خواهیم کرد. دنیا را علیه حاکمین خواهیم شوراند. هم اکنون معلم و دانشجو و بازنشسته و دیگر بخشهای مردم دارند در حمایت از کارگران فولاد و نیشکر هفت تپه اعلام حمایت میکنند.

جمهوری اسلامی هر روز در هفت تپه و اهواز و اراک و تهران و

در یک یورش شبانه به خانه های کارگران معترض فولاد اهواز در شب ۲۱ آذر و روز بعد از آن بیش از ۴۰ نفر از کارگران معترض فولاد اهواز توسط نیروهای جمهوری اسلامی دستگیر شدند. بدنبال آن شهر اهواز را به حالت حکومت نظامی در آوردند و حکومت تلاش میکند از این طریق فریاد کارگران معترض را خاموش کند. اما اعتراضات ادامه دارد. فریاد ها خشمگین تر شده است. خشم و نفرت همه جا را گرفته است.

لشکرکشی علیه کارگری که امنیت شغلی و شرایط قابل تحمل کار و پرداخت به موقع دستمزدش را میخواهد، چیزی جز اعلان جنگ

جمهوری اسلامی در یورش شبانه به خانه های کارگران اعتصابی فولاد، ۴۱ نفر را دستگیر کرد!



کارگران زندانی فوراً و بی قید و شرط باید آزاد شوند!

دختران خیابان انقلاب، انقلاب زنانه و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی

سخنرانی شیرین شمس در سمینار "زنان، انقلاب زنانه و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی"، ۸ دسامبر ۲۰۱۸



معروف و ناهیان از منکر بوده ایم. شاهد برگزاری ۸ مارس روز جهانی زن در چندین شهر ایران با محوریت نه به حجاب اجباری، نه به تفکیک جنسیتی، نه به جمهوری اسلامی بوده ایم. شاهد کمپین نه به تجاوز و بردگی جنسی بعد از تجاوزهای جنسی ایادی جمهوری اسلامی به زنان و نوجوانان ایرانشهر، برگزاری مراسم ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، با محوریت نه به حجاب اجباری و نه به بردگی زن، شاهد زنان در جلو صف تظاهراتهای مردمی با شعار مستقیم علیه جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب آن بوده ایم. شاهد تجمع اعتراضی بدون حجاب در دانشگاه هنر تهران و جدال دانشجویان زن با گشت ارشاد در دانشگاه سوهانک، دختر میدان انقلاب با شال سرخ و بادکنکهای رنگی، شکستن سد ممنوعیت ورود زنان به استادیوم آزادی تهران، و حضور فعالانه زنان در اعتراضات هفت تپه که به زنان هفت تپه معروف شدند و زنان پیشرو در ردیف اول تظاهرات کارگران فولاد اهواز بوده ایم. و ده ها مثال دیگر نشان میدهد که در طول این یکسال گذشته زنان، جسورتر، رادیکال تر، مبارزتر و انقلابی تر شده اند. و این یکی دیگر از دستاوردهای جنبش نوین رهایی زن و انقلاب زنانه در ایران در طول یکسال گذشته است.

در خلال اعتراضات سراسری زمستان ۹۶، زنان تحت عنوان دختران خیابان انقلاب مقابل مساجد و حوزه علمیه ها و پایگاههای بسیج، این مراکز فاشیسم اسلامی حجاب بر می داشتند و سر چوب می کردند. در تابستان ۹۷ هم در کمتر از ۲۴ ساعت بعد از اعتراضات اجباری تلویزیونی مائده هژبری رقصنده اینستاگرامی، مقابل مساجد به نشانه این اقدام زن ستیزانه جمهوری اسلامی، می رقصیدند و حکومت را به مصاف میخواندند، اینها هرگز از این اعتراضات اجباری توسط "صدا" و "سیمنا"، این شیوه فاشیستی حکومت ضدانسانی که

جهان از این زنان تحت عنوان دختران انقلاب یاد میشود. پرچمی که باعث شد دختران انقلاب سال ۵۷، دختران انقلاب ۸ مارس روز جهانی زن ۵۷، به معنای واقعی بیش از پیش دیده شوند. و این دستاورد بزرگی بود برای جنبش نوین رهایی زن در ایران و برای انقلاب که تحت عنوان انقلاب زنانه در ایران جار بست.

جمهوری اسلامی که مثل همیشه هیچ راهی برای برون رفت از بحرانهای خود، جز سرکوب در دست ندارد، طی اقداماتی قهرآمیز، دست به ضرب و شتم و بازداشت دختران خیابان انقلاب زد، برایشان احکام قضایی سنگین صادر کرد، فعالین حقوق زن و فعالین دانشجویی دخالتگر در امر مطالبات رادیکال زنان را دستگیر و بازداشت و زندانی کرد، بر زندانیان سیاسی زن و خانواده های آن فشارهای همه جانبه وارد کرد، رقصنده های اینستاگرامی زن را تحقیر و مجبور به اعترافات تلویزیونی کرد، به تهدید و ایجاد رعب و وحشت پرداخت و با همه این اقدامات یکبار دیگر اثبات کرد که حجاب یکی از مسائل اصلی و خط قرمز این حکومت است، و از اینکه این رکن اساسی حکومت به خطر بیفتد بشدت نگران است. یکبار دیگر ثابت کرد که مساله خشونت و ستم بر زن در ایران يك خشونت و ستم قانونی و سازماندهی شده حکومتی هست که حجاب و ارگانهای، که شمار آن بیش از ۳۲ ارگان است به تبلیغ حجاب و عفاف می پردازند. و این خود گواه اینست که تحمیل حجاب نقش اساسی در سرکوب زن دارند. اما هیچکدام از این خشونت ها و اقدامات سرکوبگرانه، نتوانست به مبارزه زنان برای رهایی پایان دهد، امروز ۱۷ آذر ۹۷، نزدیک به یکسال از خیزش انقلابی دیماه ۹۶ میگذرد و ما در طول این یکسال شاهد جدال تنگاتنگ تری بین زنان و نمایندگان حکومت اسلامی در کف خیابانها با مامورین گشت ارشاد، با بسیجی ها و با آمرین به

درد میفرستیم به همه زنان شجاع و مبارز ایران که پرچم انقلاب زنانه را در بلندای شهرها بالا بردند،

در دانشگاهها، در اعتراضات مردمی علیه جمهوری اسلامی، در هفت تپه و فولاد اهواز در مبارزه علیه ستم طبقاتی.

از خیزش دیماه ۹۶ شروع میکنم، با وقوع اعتراضات سراسری و اعتصابات گسترده علیه گرانی، فقر، بیحقوقی و سرکوب های سازماندهی شده، شاهد عروج جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی بوده ایم.

از دل خیزش انقلابی دیماه ۹۶، جنبش نوین رهایی زن بعنوان یکی از رادیکال ترین جنبش های سیاسی، اعتراضی و مبارزاتی، که يك رکن اساسی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی هست، با عروج دختران خیابان انقلاب و اعتراض علنی و گسترده به حجاب اجباری چنان ضربه محکم و مهلکی به جمهوری اسلامی زد که نه تنها موجب از هم پاشیدن شیرازه این حکومت شد، بلکه جهان را بطور عجیبی متوجه مبارزات زنان در ایران علیه قوانین اسلامی و جمهوری اسلامی کرد.

دختران خیابان انقلاب تصویر غالب بر جهان مبنی بر اینکه مردم ایران، مردم مذهبی هستند را با شدت تمام بهم ریخت و تصویری از مردم ایران، بخصوص زنان ایران به جهان داد که خواهان رهایی از مذهب، فرهنگ عقب مانده، مردسالارانه و سنت زده هستند.

موج عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی، پرچم انقلاب زنانه را با شکوهرتر از همیشه شهر به شهر ایران روی سکوهایی که امروز به سکوی انقلاب معروف شده اند، به اهتزاز درآورد؛ پرچمی که ۴۰ سال دست به دست چرخید از دهه شصت رد شد، از دهه هفتاد رد شد، از اوج فمینیسم اسلامی دهه ۸۰ رد شد و حتی آن را زیر پا گذاشت و در اعتراضات ۸۸ بالا برده شد، تا بالاخره به دست زنان شجاع و مبارزی رسید که امروز در سراسر

زیادی پشت سر گذاشته اند، کاری کرده اند که به اعتراف اخیر یکی از مقامات جمهوری اسلامی فرشته روح افزا معاونت زنان در شورای انقلاب فرهنگی: "حجاب با شتاب در حال افول است" و این به معنای يك گام بزرگ و رو جلو انقلاب زنانه در ایران است. با این اوصاف جمهوری اسلامی در یکی از ضعیفترین و شکننده ترین موقعیت های خودش قرار گرفته و زنان در ایجاد يك چنین موقعیتی نقش بسزایی داشتند و باعث بوجود آمدن يك ائتلاف عمیق در خود حاکمیت شده اند.

مبارزه زنان، سرنگونی طلبانه، علیه اسلام سیاسی و در ضدیت با دین است. به جرات میتوان حجاب اجباری که امروز از آن به پرچم جنبش اسلام سیاسی یاد میشود و نقطه اشتراك همه حکومت ها و دولت ها و جریانات متعلق به این جنبش ضد انسانی و تروریست همچون حکومت اسلامی در ایران، طالبان در افغانستان، ازدهان در ترکیه، بوکوحرام، داعش و امثالهم است که هر کجا پا گذاشتند با حجاب به زنان آن جامعه و سپس به کل جامعه حمله کردند، به دستاوردهای بشری، به مدرنیسم و به مدنیت حمله کردند، امروز به

قدمتی دیرینه از خرداد سال ۱۳۶۰ تا به الان دارد، نترسیدند. از این شیوه ای که حکومت بعنوان یکی از ابزارهای مرعوب کردن جامعه و ایجاد رعب و وحشت در بین اقشار مختلف، تلاش میکند رعب و وحشت را به خانه های ببرد نهراسیدند. دختر دانشجویی که مانع از ورود گشت ارشاد به دانشگاه سوهانک شد و توسط خودرو گشت ارشاد به زیر گرفته شد، هرگز از بازداشت و احکام سنگین قضایی صادره برای دختران خیابان انقلاب مرعوب نشده بود، زن شجاعی که بدون حجاب با بادکنکهای رنگی و شال سرخ درست ۴۸ ساعت بعد واقعه دانشگاه سوهانک، به حجاب اجباری اعتراض کرد، هرگز از خشونت گشت ارشاد علیه دختر دانشجوی سوهانک مرعوب نشده بود. و اینها نمونه هایی هستند که نشان میدهد زنان با مبارزه ای رادیکال، انسان محور، سکولار، مدرن و برابری طلبانه، در عرصه مبارزه علیه حجاب و تفکیک جنسیتی و دیگر عرصه ها، طبق اعترافات خود مقامات حکومت، شکست داده و به عقب رانده اند. زنان يك فاز وسیع و تعیین کننده از روند مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را با دستاوردهای

از صفحه ۵ کارگران در هفته ای ...

گفتمان وسیع همه مردم تبدیل کرد.

ما خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی هستیم. خواست ما برخورداری همه مردم از وسیعترین آزادی ها از جمله حق تشکّل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق تحزب، حق بیان و داشتن یک زندگی شایسته است. خواست ما برچیده شدن کل این بساط سرکوب و زندان و جنایت است. جمهوری اسلامی باید با کل دستگاه قضایی و قوانین جنایتکارانه ارتجاعی اسلامی اش باید گورش را گم کند.

تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران باید بسته شود

یک سیاست همیشگی حکومت اسلامی تهدید و پیگیری کارگران و بطور واقعی همه مردم معترض با اتهامات امنیتی تحت عناوینی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" است. با چنین اتهاماتی تا کنون کارگران بسیاری سالها در زندان بوده اند و یا همین امروز حکم زندان دارند و تحت پیگرد هستند. از جمله همین امروز کارگران گروه ملی، نیشکر هفت تپه تحت همین نوع احکام ارتجاعی در زندان و یا تحت پیگرد قرار دارند. نمونه ههای قبلتر آن صدور چنین احکامی برای تعدادی از کارگران هپکو، آذراب، پتروشیمی ایلام، مس سرچشمه، بافق یزد و شماری از معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بسیاری از فعالین اجتماعی دیگر است. از همین رو اکنون چندین سال است که کارگران و در کنار آنان معلمان با کارزاری علیه امنیتی کردن

مبارزات به جلو آمده و خواست مشخص آنها لغو تمامی احکامی امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی و بسته شدن پرونده هایشان است. این کارزار یکی از پیشروی های مهم جنبش کارگری و کل جامعه است و دامنه اش بخش های وسیع مردم را فرا گرفته است و امروز به بندهای مهمی از قطعنامه های کارگران، معلمان، دانشجویان، و مردم معترض تبدیل شده است. گفتمان کارگران در این کارزار اینست که اخلال در نظم و امنیت ملی، یعنی تعرض به منافع سرمایه داران و به هم خوردن آرامش آنها، یعنی تعرض به فضایی که مشتی سرمایه دار حاکم بتوانند در "آرامش و امنیت" کارگران به وحشیانه ترین قرون وسطایی ترین شیوه ها مورد بهره کشی و استثمار قرار دهند، نیست. در راستای همین سیاست و امنیتی کردن مبارزات است که نیروی انتظامی و وزارت کار و قوانین ارتجاعی مجازات های اسلامی نیز بکار گرفته میشود تا مبارزات کارگران و کل جامعه سرکوب شود. بدین ترتیب کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، کارزاری علیه کل بساط سرمایه داری حاکم و دستگاه قضایی، این ماشین سرکوب و جنایتش که مستقیماً در خدمت منافع مشتی سرمایه دار دزد حاکم عمل میکنند، است. امنیت نظام معنایی جز امنیت بساط سرمایه داری دزدسالار حاکم نیست و مردم خواستار برچیده شدن کل این بساط جهنمی برده وار حکومت اسلامی اند.



سرنگون باد جمهوری اسلامی،
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۸

دختران خیابان انقلاب ...

دست زنان در ایران به یک پرچم پاره پاره تبدیل شده است. مبارزه زنان برای رهایی از یک بعد دیگر در ضدیّت با دین هم هست. چرا که حتی امروز زنان به ماهیت زن ستیزی و ضد زن بودن دین اسلام هم پی برده اند و از این جهت این مبارزه نه فقط مبارزه با اسلام سیاسی بلکه مبارزه با اسلام به عنوان یک ایدئولوژی ضد زن نیز می باشد.

با وجود بحران های عمیقتر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، با وجود اختلاسهای روزانه میلییاردی و از طرفی با وجود اعتراضات سراسری و خواست اکثریت مردم به سرنگونی جمهوری اسلامی، مبارزه زنان در ایران طبقاتی تر و حتی تبدیل به یک نقد سوسیالیستی شده است. امروز پای صحبتهای دختران انقلاب که بنشینیم می شنویم که میگویند حجاب یک ابزار سرکوب زنان در دست حکومت سرمایه داران و اقلیتی است که همه منابع و امکانات و ثروتهای جامعه را در اختیار دارند و با حجاب بر سر ما کشیدند و دادن نقش های همسرداری، خانه داری، بچه داری و شوهر داری، ما برایشان نیروی کار تولید کنیم و آنها بخورند و بچایند و غارت کنند، پس ما با همین ابزار به جنگ با خودشان می رویم. در اینجا شما را ارجاع میدهم به

مصاحبه های انقلاب زنانه با دختران خیابان انقلاب در زمستان ۹۶.

همین نمونه ها و روند طی شده در یکسال گذشته نشان میدهد که زنان پیشرو و مبارز ایران بر این باور بوده و هستند که تنها راه پایان دادن به بیحقوقی، بردگی جنسی، فرهنگ نرینه سالار، مناسبات تبعیض آمیز، ظلم طبقاتی، ستم و خشونت بر زنان، پایان دادن به قوانین تبعیض آمیز و اسلامی است که قطعاً از مسیر سرنگونی این حکومت ضد زن و زن ستیز اسلامی می گذرد.

امروز "انقلاب زنانه"، و "زنان و انقلاب" به یک گفتمان اساسی در عرصه زنان و به یک ترند اصلی در فضای سیاسی ایران تبدیل شده است. اگر کسی بخواهد حرفهایش مورد توجه قرار بگیرد باید از ترند انقلاب زنانه استفاده کند، حتی راست ها و چهره های راست دارند این کار را میکنند، و در تیتراهای مطالبیشان از "انقلاب زنانه" یاد میکنند و این یک پیروزی برای ما و جنبش ماست.

در پایان فراخوان من به زنان در دوره پیش رو، پیوستن به یک مبارزه وسیع و متحد هست برای هموار کردن و کوتاه کردن مسیر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی.

زنان ایران در مبارزه با جمهوری اسلامی تاریخ ساز شده اند، قطعاً در برپایی سوسیالیسم و یک جامعه انسانی، آزاد، برابر و سکولار میتوانند تاریخ دیگری بسازند. فراخوان من پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران هست، چرا که به جرات میتوانم بگویم که این حزب، برنامه اش و افقی که برای موقعیت زن در ایران دارد بی نظیر است و هیچ جایگزینی ندارد. هیچیک از احزاب سیاسی چپ حتی، در مواضع سیاسی و در پراتیکشان نشان نداده اند که می توانند در ایجاد فرهنگ و قوانین رادیکال برای رهایی زن، به زنان امید میداده باشند، چه برسد به مدعیان قدرت سیاسی از راست همچون رضا پهلوی که امروز در رسانه های راست، از زن به عنوان تربیت کنندگان نسل آینده یاد میکند، نه دیگر هیچ، نه به عنوان یک انسان مستقل، آزاد و برابر. حزب کمونیست کارگری ایران متضمن رهایی زن از بندهای ارتجاع مذهبی و نرینه سالار است و این را در مواضع سیاسی و پراتیک و کارنامه ۲۷ ساله خود بوضوح نشان داده است. به حزب جوانان این حزب، جهت تحقق یک زندگی انسانی برای زنان پیوندید.



موقعیت جنبش زنان و روند و رشد تشکل یابی در این عرصه

سخنرانی شهلا دانشفر در سمینار "زنان، انقلاب زنانه و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی"، ۸ دسامبر ۲۰۱۸



جمهوری اسلامی را به چالش میکشد و در نبرد با تمامی پایه های این نظام است. به این اعتبار جنبش رهایی زن در ایران جنبشی میلیتانت، رزمنده و بشدت سیاسی است.

- جنبش نوین رهایی زدن هر روزه علیه حجاب و قوانین حاکم و همه خرافه ها و عقب ماندگی هایی که رسماً توسط حکومت تقویت و ساپورت میشود در جنگ است. امروز دیگر بحث از داشتن حجاب یا نداشتن حجاب فراتر رفته. زنانی دیده میشوند که با نیم تنه عریان به خیابان می آیند و میگویند زن ناموس کسی نیست. زن ملک مرد نیست. برده جنسی نیست.

- جنبش رهایی زن توانسته است مناسبات درون خانواده ها را تغییر دهد و علیرغم قوانین ارتجاعی اسلامی بسیاری از نرم های جامعه را چه در روابط خانوادگی، چه در روابط اجتماعی و چه در سطح فرهنگی را شکسته و جلو رفته است. برای مثال "ازدواج سفید" و مقوله "دوست اجتماعی" در چهارچوب خانواده دو نمونه بارز است. به این اعتبار جنبش نوین رهایی زن تابو شکن است.

برای مثال همین امروز در اینستاگرام کمپ های جوانان را شکل گرفته اند که بطور واقعی خیزش سازمان یافته جامعه علیه تحجر و عقب ماندگی هاست. این کمپ ها بستر شکل گیری ازدواج های سفید و روابط آزاد انسانها بر اساس عشق و دوستی است. نمونه دیگرش تشکیل کمپ های بالای ۴۰ ساله ها است که در آنها انسانها به میل و اختیار خود دوست میگیرند، گلگشت میروند و زندگی ای شاد را برای خود رقم میزنند. اینها همه روابطی هستند که اساسش بر دوست داشتن و انسانیت گذاشته شده است که نوین و مدرن است. این جنبشی است که تقدس ریاکارانه خانواده در چهارچوب جامعه سرمایه داری

چپ میگفتند، چپی سنتی و با رگه های ملی اسلامی که در حاشیه جامعه قرار داشتند، این حرکت را نفی کردند. همانطور که امروز همین چپ، حرکت تاریخی دختران انقلاب را بیربط به کارگر و انقلاب مردم میداند.

با این مقدمه کوتاه من میخوام اینجا در رابطه با موقعیت کنونی جنبش رهایی زن، از وجود جنبشی صحبت کنم که نوین است و در عین حال به هشت مارس سال ۵۷ وصل است. و این جنبشی است ادامه همان آرمانها برای رهایی زن و رهایی کل جامعه که بر جهان شمول بودن آزادی و حقوق زن تاکید دارد.

مشخصه های اصلی این جنبش کدامند؟

- اولین مشخصه اصلی جنبش رهایی زن امروز از نظر من ضدیت آن با گنبدیگری سرمایه داری و کشفاتش است. بویژه در اوج استیصال سرمایه داری جهانی، در شرایطی که جنک و جانورهای جریانات مختلف اسلامی به تحرك در می آیند و بنا بر قوانینشان بدن زن کالای جنسی محسوب میشود، جنبش رهایی زن علیه کل این پوسیدگی سرمایه داری و کشفاتش است. ایران يك نمونه بارز آنست و اعتراض علیه حجاب، جنبشی علیه کل نظام سرمایه داری حاکم و قوانین ارتجاعی مذهبی و بساط آپارتاید جنسی اش است.

- يك عرصه دائم نبرد جنبش نوین رهایی زن، ایستادن علیه اسلام سیاسی و خرافه هاست. به این معنا که جنبش رهایی زن نه فقط در ایران بلکه در کل منطقه در برابر جریانات اسلامی در قدرت و دارو دسته های وحشی و جنایتکار آن قد علم کرده و نقش سیاسی مهمی ایفا میکند و بطور واقعی به انقلاب در ایران و در کشورهای دیگر که در حیطه قدرت جریانات اسلامی قرار دارند، رنگی زنانه زده است.

- جنبش رهایی مستقیم

جنبش رهایی زن يك عرصه دائمی نبرد جامعه با رژیم آپارتاید جنسی بوده و امروز به جنبشی قدرتمند در جامعه تبدیل شده است. به این اعتبار جنبش رهایی زن امروز يك وزنه مهم در اوضاع سیاسی ایران است.

اولین تهاجم جمهوری اسلامی به جامعه برای پهن کردن بساط جهنمی اش، فرمان اجباری شدن حجاب برای زنان توسط خمینی بود. و این به معنای اعلام رسمی حاکمیت آپارتاید جنسی و مردانه بودن جامعه و بردگی زن بر اساس قوانین اسلامی است.

بدین ترتیب شیپور جنگ علیه رژیم اسلامی در همان هشت مارس سال ۵۷ در اعتراض به اجباری شدن حجاب برای زنان زده شد.

۸ مارس ۵۷ حرکتی رادیکال، چپ و آزادیخواهانه و علیه نظام حاکم با همه قوانین ارتجاعی اسلامی اش بود و به باور من خیزش چپ جامعه علیه بساط آپارتاید جنسی رژیم اسلامی بود. ۸ مارس ۵۷ با شعار آزادی نه شرقی است، نه غربی است، جهانی است، بطور واقعی بر جهان شمول بودن حقوق زن تاکید گذاشت.

وقتی امروز به این اتفاق مهم تاریخی در جنبش رهایی زن نگاه میکنیم، می بینیم که چنین حرکتی نه سنخیتی با جریانات بریده از ملی اسلامی ها دارد که يك باورشان اینست که اسلام با حقوق زن تناقضی ندارد و نه ربطی به جریانات ناسیونالیست راست پرو غرب داشته و دارد که در دوره خود مذهب رسمی يك رکن حاکمیتشان بوده است و امروز هم دنبال این هستند که از "روحانیت اصیل" در مقابل "روحانیت فاسد" دفاع کنند.

۸ مارس ۵۷ درواقع اولین بروز چپ اجتماعی در جامعه بود. از جمله در آنموقع حتی بسیاری از جریاناتی که به خود

حمایت این قوانین به پدیده قابل توجهی تبدیل شده بود. دخترانی که تحت حاکمیت رژیم آپارتاید جنسی ناگزیر به فرار از خانواده میشدند و بعد هم بعنوان قربانیان این سیستم سر از باندهای قاچاق تن فروشی و اعتیاد در می آوردند. امروز شکل این عصیان عوض شده است و بسیار از این دختران به جنبشی وصل هستند که به شیوه هایی انسانی و مدرن وارد روابط میشوند که دوست دارند و انتخاب خودشان است و خانواده ها نیز ناگزیر به قبول این واقعیت ها شده اند. کمپ های تشکیل شده در اینستا پاسخی مدرن به این پدیده هاست. و اینها همه نمونه های معینی از اتفاقاتی است که در زیر پوسته جامعه میگردد.

يك مثال دیگر پدیده تن فروشی در ایران است. امروز در چنگال جهنم جمهوری اسلامی تن فروشی به عنوان یکی از مصائب سرمایه داری وحشی حاکم برای مردم شناخته شده است. دیگر کسی به تن فروش به عنوان مجرم نگاه نمیکند و مردم میدانند که اینان قربانیان این سیستم هستند. جزوی از خود جامعه هستند که زیر فشار فقر و فلاکت بیسابقه به تن فروشی به عنوان شکلی از اصرار معاش

موجود را در هم شکسته است. چرا که مردان همیشه در گزینش دوست جنس مخالف آزاد بوده اند. اما این پیشروی جنبش رهایی زن است که رابطه بین زن و مرد را از سنت های ارتجاعی و سنتی و مردسالارانه خارج کرده و به آن شکلی انسانی و نوین داده است. این به معنی عروج روابط انسانها در جامعه است که در آن زن و مرد برابر هستند.

پدیده ازدواج های سفید، پدیده ایست که بعدی اجتماعی پیدا کرده است و آمارهایش را خود حکومت انتشار میدهد و دارد به نریمی متداول تبدیل میشود. نمونه دیگر از همین دست مقوله "دوست اجتماعی" در چهارچوب خانواده است. به این صورت که زن و مرد ضمن اینکه با هم زندگی مشترک دارند و صاحب فرزند هستند. اما از طرف هر دو طرف پذیرفته میشود که "دوست اجتماعی" خود را داشته باشند. دوست اجتماعی آنان رسماً به منزل آنها می آید و با هم معاشر هستند. و این روابطی متمدنانه و انسانی است که در آن بچه ها نیز شاد هستند. دوره ای دختران فراری و بالا رفتن شمار آنها نشانی از عصیان دختران جوان در زیر چنگال قوانین ارتجاعی اسلامی و فشار های خانواده ها در چتر

از صفحه ۱۰ - موقعیت جنبش زنان و روند...

کشیده شده اند. بسیاری از دختران جوان ناگزیر به تن فروشی شده اند، حتی برای اینکه بتوانند تحصیل کنند و راه آینده خود را باز کنند. در بسیاری از خانواده ها بخاطر نجات فرزندان از گرسنگی و بیماری زنان در مقابل چشم همسرشان تن فروشی میکنند. بازگو کردن حقوق یک تن فروش برای این جامعه کار سختی نیست و در این سیستم بسیاری از تابوها شکسته است. اینها همه بطور واقعی حرفهای حزب ما در برنامه یک دنیای بهتر است که امروز چنین در جامعه جاری شده و راه خود را باز کرده است.

مثال دیگر ربط مستقیم جنبش رهایی زن به جنبش کارگری است. جنبش رهایی زن تاثیرات مستقیم خود را در حال و هوای جنبش کارگری نیز گذاشته و اتفاقا یکی از مشخصه های جنبش کارگری امروز که من به آن نیز نوین میگویم، نقش زنان در این جنبش است. نیشکر هفت تپه یک نمونه است. در اعتراضات این کارگران همسر کارگر را می بینیم که در صف رهبران کارگری می آید و سخنرانی میکند و مثل یک رهبر ظاهر میشود. نمونه اش در اعتراضات سال گذشته هفت تپه بود که همسر یکی از کارگران در کنار اسماعیل بخشی ایستاد و خطاب به کارگران گفت که دیگر مساله ما صرف دستمزد پرداخت نشده نیست، بلکه ما میخواهیم دست چپاولگران هفت تپه از این شرکت کوتاه شود و فردا اعتصابمان را به مقابل فرمانداری منتقل میکنیم. و یا در همین اعتراضات اخیر کارگران همسر نیشکر هفت تپه یکی از کارگران در سخنانش گفت که ما سال گذشته همین موقع توانستیم با قدرت خودمان اسد بیگی را بیرون کنیم. امسال نیز با همین نیرو میتوانیم خواستهایمان را تحمیل کنیم. همچنین یکی دیگر از همسران کارگران خطاب به کارگران گفت که میدانم برخی از شما اجازه

نمیدهدید که همسرانتان به اعتراض بپیوندند، اما خواهش میکنیم مانع اعتراض آنان نشوید. صحبت های او تکانی بود بر افکار پوسیده سنتی که انعکاسش را در استقبال گسترده خانواده های کارگران در روز بعدش و پیوستن جمع هایی از زنان شهر به صف تظاهرات با شکوه کارگران دیدیم. این اتفاقات فقط در هفته نیست که روی میدهد. در گروه ملی فولاد اهواز نیز ما شاهد حضور فعال زنان در اعتراضات کارگران و حضور آنان در جلوی صف تظاهرات ها هستیم. البته نقش زنان در جنبش کارگری نه فقط به عنوان خانواده کارگران بلکه در بسیاری از مراکز کارگری نیز دیده میشود که زنان در کارخانه ها پیشقراول اعتراضات هستند. یک نمونه اش در کنترساز قزوین بود که در گزارش ها قید شد که اعتصاب از میان زنان کارگر آغاز شد و به همه کارخانه کشیده شد. بعلاوه اینکه در بسیاری از اعتراضات اجتماعی زنان در صف جلوی اعتراض و رهبری نقش ایفا میکنند. پیوند جنبش رهایی زن، به جنبش کارگری، خصلت ویژه ایست که جایگاه چپ اجتماعی و کمونیسم کارگری را در این جنبش برجسته میکند که با چپ سنتی و فرقه ای که جنبش رهایی زن را عرصه دمکراتیک مبارزه تلقی میکند، تمایز فاحشی دارد.

مدیای اجتماعی ابزار مهمی در حضور گسترده زنان در اعتراضات کارگری و بخش های مختلف جامعه بوده است و این حضور تصویر جنبش کارگری را بکلی دگرگون کرده است. بطور مثال الان گفتمان کارگران صنایع فولاد در مدیای اجتماعی اینست که ما کارگران فولاد نود هزار هستیم. اکنون ده هزار نفر ما در گروه جمعیم و اگر هشتاد هزار نفر باقی همراه با خانواده ها به میدان بیایند، ما پیروز خواهیم شد. این گفتمان ها نقش واقعی جنبش رهایی زن در کل جامعه و رزم دوشادوش زن و مرد

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و داشتن جامعه ای انسانی را به نمایش میگذارد. بنا به امارهای حکومتی در عرصه فضای مجازی زنان در ردیف بیشترین فعالین هستند. بسیاری از آنها زنان خانه دار در اقصی نقاط ایران از دورافتاده ترین نقاط تا شهرهای بزرگ هستند که به مرکز اطلاعات مجازی متصلند و تبادل اطلاعات میکنند. این پدیده بطور واقعی فاصله شهرها و روستاهای دورافتاده تا شهرهای بزرگ و مرکزی را هم بی معنی کرده است.

امروز روزهایی چون هشت مارس، ۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت علیه زن، روز جهانی مبارزه علیه ایدز روزهایی است که در ایران زنان و مردان معترض به میدان می آیند و از آزادی و برابری و برابری زن و مرد و یک جامعه انسانی سخن میگویند. اینها همه گوشه ای از تصویر من از جنبش زنان در امروز ایران و مشخصه های کنونی جنبش رهایی زن در ایران هستند که به نظرم نوین و در جهان نمونه اند.

نکته مهم اینجاست که در پرتو جدالی هر روزه جنبش رهایی زن عملا چهره جامعه عوض شده و ضربه ای کاری بر قدرتی حکومت خورده است و زنان و مردان جوان در سنگر جلوی این جنگ قرار دارند. از همین رو جنبش رهایی زن تا هم اکنون پیشروی های بسیاری داشته و شکستهای بسیاری بر حکومت تحمیل کرده است. این جنبش همچنین نقش مهمی در تغییر توازن قوا به نفع کل جامعه داشته است. به باور من جنبش رهایی زن یک بخش مهم از جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کل بساط سرمایه داری حاکم است. این جنبش همانطور که اشاره کردم وزن سنگینی در معادلات سیاسی جامعه دارد و به همه این دلایل خصلتی زنانه به انقلاب در ایران بخشیده است. این چنین است که امروز ما

از یک جنبش کیفتا نوین و جدید رهایی زن در ایران صحبت میکنیم و یک نشانه بارز این تغییر کیفی و نوین بودنش پدیده دختران انقلاب و بر سر چوب کردن حجاب ها ست که رژیم آپارتاید جنسی را علنا به چالش کشیده است. این جنبش نوینی است که تابوها را می شکند و جلو می رود. این جنبش نه تنها علیه قوانین ارتجاعی اسلامی مبارزه میکند، بلکه در اعتراضاتش دارد از آینده و از جامعه ای انسانی با خواستهایی انسانی سخن میگوید. این صدای آزادیخواهی و چپ است که در راس این جنبش چنین رسا شده است. همانطور که عروج چپ در راس جنبش های اجتماعی را می بینیم.

عصره های مشخص مبارزات زنان علیه آپارتاید جنسی:

- اولین عرصه همانطور که اشاره کردم علیه حجاب بعنوان پرچم این نظام و این سیستم است. در واقع نفی عملی حجاب یکی از سنگرهای مهمی است که جنبش رهایی زنگ توانسته است بدست آورد و آخرین تیر خلاصش را دختران انقلاب به حجاب زدند. جمهوری اسلامی همواره تعرض خود به جامعه را با تعرض به زنان آغاز کرده است. این رژیم هرگاه خواسته فضای جامعه را امنیتی کند، تحت عنوان مبارزه با حجاب اوباش حزب الله را به خیابان ریخته و زنان را مورد تعرض قرار داده است. اما امروز دیگر جامعه عملا حجاب را نفی کرده است و بسیار جلوتر از اینست که با چنین ابزاری حکومت بتواند، تعرض کند. به عبارت روشنتر امروز دیگر معادله عوض شده است. امروز وقتی جامعه مورد تعرض قرار میگیرد و درست در همان روزهایی که رژیم میکوشد ابزار سرکوبش را حدادی کند، دختران انقلاب دوباره پیدایش میشوند و با سر چوب کردن حجابش، عزم جزم جامعه را برای به زیر کشیدن این بساط اعلام میکنند. از جمله دختران انقلاب در ادامه خیزش دیماه با سرچوب کردن حجاب ها

پیامشان جارو شدن کل بساط آپارتاید جنسی بود و این چنین بود که آوازه شان جهانی شد.

- مبارزه علیه تفکیک جنسیتی در محیط های کار، کارخانجات، دانشگاه ها اماکن عمومی یکی دیگر از عرصه مهم مبارزه مردم علیه بساط آپارتاید جنسی حکومت اسلامی بوده است. از جمله یکی از موضوعات داغ اعتراض در دانشگاه ها همواره همین موضوع بوده است. اما همانطور که اشاره کردم روابط زن و مرد در این جامعه را قوانین حکومتی تعیین نمیکنند. مردم کل این بساط ارتجاعی را در نبردی هر روزه و در زندگی اجتماعی شان کنار زده اند. اعتراضات و تجمعات سراسری بخش های مختلف جامعه، عملا دیوارهای آپارتاید جنسی را در هم شکسته است.

- یک عرصه مهم مبارزه زنان برای شکستن جداسازی های جنسیتی، عرصه ورزش است. کارزارهایی چون کارزار برای شرکت در مسابقات جهانی، کارزار در دفاع از حق دوچرخه سواری، کارزار در عرصه شنای زنان و مبارزه علیه قوانینی که زنان را وادار به پوشیدن لباسهایی میکند که تحرکی برای شنا کردن برای آنها باقی نمیگذارد، مبارزه برای اجازه تماشای ورزش دختران توسط پدر و مادر در کنار هم، مبارزه برای حضور زنان در استادیوم های ورزشی و... مسابقات بین المللی شطرنج و مبارزه علیه شرط حجاب برای شرکت در مسابقات همه و همه نمونه هایی از جدال جانانه است. و اینها همه عرصه های مبارزه علیه جدا سازی جنسیتی در رژیم آپارتاید جنسی است. یک مثال می آورم. خامنه ای دوچرخه سواری زنان را حرام اعلام کرد و برای آن فتوا داد و به حساب خودشان حکم قطعی ممنوعیت دادند. زنان این فتوا و حکم رهبری را زیر رکاب دوچرخه های شان نصب کردند و سوار در شهر میچرخیدند و دستگیر میشدند و امروز دیگر

از صفحه ۱۱ موقیعت جنبش زنان و روند...

در کمپ های بزرگ دوچرخه سواری و ورود دوچرخه سواران به داخل متروها در روزهای تعطیل و عبور و مرور دوچرخه سواران زن و مرد کنار هم چهره شهر را دیگرگون کرده است و فتوا و حکم رهبری کف خیابان لگد میشود.

در عرصه هنر نیز همین جدالها را میتوان دید. برای مثال کارزار برای حق آوازخوانی زنان، کارزار برای حق زنان در شرکت در کنسرت های موزیک، حق رقصیدن و غیره را میتوان نام برد. صدای ممنوعه یکی از این کارزارهاست که نامی آشناست. جدال زنان برای شرکت در ارکستر های موزیک، شرکت زنان در موزیک خیابانی، شرکت زنان در سینمای زیر زمینی و حتی رقصیدن زنان در خیابان به مناسبت های مختلف نمونه های بارزی از این جدال و گامهای مهمی در جهت شکستن دیوارهای آپارتاید جنسی بوده است.

عرصه دیگر کارزارهای مبارزات علیه تعرضات هر روزه حکومت به حقوق زن در جامعه از جمله نمونه هایی چون طرح های تعالی جمعیت خامنه ای، طرح مشروعیت ازدواج با فرزند خوانده، طرح دورکاری زنان، قوانین خانواده و ازدواج و... است. که با جلو آمدن هر کدام از این طرح های ارتجاعی، کارزارهای بزرگی به راه افتاده است. بعضا توانسته است انعکاسی جهانی پیدا کند و بعضا توانسته است، این طرحها را کنار زند.

یک وجه فاجعه بار آپارتاید جنسی در ایران محرومیت های اجتماعی و اقتصادی علیه زنان است که قربانیان بسیاری هم گرفته است. از همین رو یک عرصه نبرد زنان در ایران جدال بر سر حقوق اجتماعی و اقتصادی زن در جامعه است. و بطور مثال

عرصه های اجتماعی از جمله داشتن حق طلاق، حق نگهداری از کودک، حق اشتغال و برابری زن و مرد در محیط کار و یا برخورداری از حق بیمه، حق سفر بدون اجازه همسر، حق تحصیل و علیه جدا کردن رشته های آموزش بر اساس جنسیت، همه و همه عرصه های مهمی از نبرد جنبش رهایی زن در ایران بوده است. در جریان این نبردها بخش بسیاری از مسائل اجتماعی در جریان اعتلای روابط انسانی مردم دارد جواب خود را میگیرد، مردم عملاً آنرا به رژیم تحمیل میکنند. بنا بر آمارهای حکومتی سهم بالایی از دانشجویان در دانشگاهها را زنان تشکیل داده اند و در بسیاری از مشاغل زنان توانسته اند، کار و تخصص خود را به سرمایه داری حاکم تحمیل کنند. اگر چه در این جدالها زنان بسیاری قربانی شده اند. از جمله یک رقم بالای فقر در جامعه در میان زنان تنها و تک والدین است. و این وضعیت زنان را هر چه بیشتر به محرومترین بخش طبقه کارگر تبدیل کرده است.

در آخر این بخش از بحث بدنیت اشاره ای هم به جایگاه گرایش های مختلف در جنبش رهایی زن داشته باشم. تصویری که تلاش کردم بدهم، همه و همه بیانگر این هستند که جنبش رهایی زن چپ و نوین است. جنبشی است که چپ اجتماعی را حول خود گرد آورده است. از جمله راست پرو غرب در یک دوره جذب کمپین یک میلیون امضاء با گفتمان های جریان های ملی اسلامی شد. اما بعد که این کمپین ریزش کرد. اینها راهشان را جدا کردند و تلاششان این بود که رنگ ملی - قومی به جنبش رهایی زن بزنند. نمونه هایی از آن راه انداختن جشنواره هایی با لباس ملی است. مسخره تر

اینکه یکی از فعالین همین جریان های در سخنرانی ای به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه علیه خشونت زن، علت تجاوز را در سنی بودن و بلوغ بودن و فرهنگ عقب مانده مردم توضیح داد. جریان های ملی اسلامی هم که حسابشان روشن است و مردم در همان دیماه فریاد زدند اصلاحگرا، اصولگرا، تمام شد ماجرا. اینها گفتند مذهب با حقوق زن تناقض ندارد و امروز هم همه تلاششان اینست که از قرآن آیه هایی بیرون بکشند که بگویند مساله زن را حل میکند. مردم بطور واقعی از همه اینها عبور کرده اند.

تشکل و سازماندهی از آنجا که جنبش رهایی زن، یک عرصه مشخص رودرویی با حکومت است و با توجه به محرومیت کل جامعه از حق داشتن تشکل، کارزارهای مبارزاتی همواره بستر واقعی سازمانیابی جنبش رهایی زن در طول سالهای متوالی بوده است. در بستر کارزارهای مبارزاتی جنبش رهایی زن توانسته است اعتراضات قدرتمندی را شکل دهد و هر روزه سازمانیافته تر به جلو گام بردارد. در این حرکت به جلو نیز چهره های رادیکالی چون آتنا دائمی، گلرخ ایرایی، ویدا موحد و امروز سپیده قلیان ها و عسل محمدی ها را می بینیم که به جلو آمده اند.

هجوم زنان به مادیات اجتماعی و گروه های مبارزاتی در تلگرام و اینستا و غیره یک تغییر کیفی در عرصه سازماندهی در جنبش رهایی زن ایجاد کرده است. بنا بر آمار امروز زنان بیشترین نیروی متشکل در مادیات اجتماعی و خصوصاً در اینستاگرام هستند. چنین ابعادی از حضور زنان در مادیات اجتماعی باعث شده است که صدای اعتراض جنبش نوین

آزادی زن در سطح بین المللی نیز بازتاب وسیعی پیدا کند.

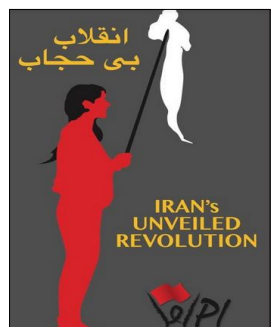
با استفاده از مادیات اجتماعی، گفتمان های آزادیخواهانه و برابری طلبانه و اعتراض علیه تبعیض علیه زن و شکستن تابوها در جامعه جلوتر آمده و جنبش رهایی زن بهتر توانسته است صف خود را گسترش داده و سازمان دهد و هر روز قدرتمند تر به جلو رفته است. این روند در چند ساله اخیر شتاب بیشتری پیدا کرده است.

از سوی دیگر روزهای مشخصی چون هشت مارس که رنگ و بوی چپ و آزادیخواهانه دارد، جایگاه مهمی در نزدیک شدن شبکه هایی از روابط چپ در جنبش رهایی زن را پیدا کرده است. بویژه جنبش رهایی زن در دل جدالی جانانه توانسته است روزهای دیگری را که از سوی گرایش های دیگری تحت عناوین مذهبی یا ملی، روز زن قلمداد شود را کنار زند و هشت مارس این روز آزادیخواهی و برابری طلبی را به عنوان روز جهانی زن تثبیت کند و این یک دستاورد مهم این جنبش است. در دل این جدال در طول سالهای دراز و تکرار هر ساله اش شبکه های ارتباطی پایداری شکل گرفته اند. این ارتباطات و شبکه های ایجاد شده در دل کارزارهای جاری نهادینه تر شده و شکل سازمانیافته تری بخود گرفته است. این اتفاقات در دل تحولات سیاسی پایه ای تر در جامعه تاثیر مهمی در قوام پیدا کردن و شکل گیری صف چپ و رادیکال در راس جنبش رهایی زن داشته است. همه اینها تغییری کیفی است. متفاوت در امر سازمانیابی جنبش رهای زن ایجاد کرده است. این تغییرات نتیجه ۴ دهه مبارزه جانانه در عرصه های مختلف در تمام وجوه علیه بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی است. نتیجه اینکه امروز جنبش

رهایی زن سازمانیافته تر، قدرتمند تر، منسجم تر و با گفتمان های رادیکال و چپ قد علم کرده و وزن سنگینی در تحولات سیاسی جامعه پیدا کرده است.

یک نماد بارز تغییر کیفی به لحاظ سازمانی در جنبش رهایی زن جلو آمدن هر روز بیشتر نهاد انقلاب زنانه است که یکسر آن در اروپاست و سر دیگرش در ایران که به دختران انقلاب وصل میشود. یکسرش در کارزارهای مبارزاتی در عرصه رهایی زن است که در اعماق جامعه به پیش میرود و سر دیگرش در اروپا به عنوان صدای اعتراض جنبش رهایی زن در سطح جهان فعالیت دارد.

مجموعه این نکات همه الگوهای برای سازمانیابی قدرتمند جنبش رهایی زن هستند که نوین هستند و هر روز قویتر به جلو گام برمیدارند. بنابراین برای اینکه سخنانم را جمع ببندم. راه کار من گسترش کارزارهای مبارزاتی بعنوان بستر قدرتیابی جنبش رهایی زن است. راهکار من استفاده از ابزار مادیات اجتماعی برای نهادینه کردن بیشتر گفتمان های جنبش نوین زنان و متحد کردن صف گسترده نیروی آزادیخواه و برابری طلب حول این گفتمانهاست. راهکار من پیوستن وسیع به نهادها و گروههایی که در عرصه رهایی زن و با چنین گفتمانهای فعالند است و بطور طبیعی یکسر همه این فعالیتها نهاد انقلاب زنانه است. و اگر یک مشخصه بارز جنبش رهایی زن، رشد و عروج چپ در راس آنست، فراخوان من به همه فعالین رادیکال و چپ این جنبش پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران است. *



یک نماد بارز تغییر کیفی به لحاظ سازمانی در جنبش رهایی زن جلو آمدن هر روز بیشتر نهاد انقلاب زنانه است که یکسر آن در اروپاست و سر دیگرش در ایران که به دختران انقلاب وصل میشود. یکسرش در کارزارهای مبارزاتی در عرصه رهایی زن است که در اعماق جامعه به پیش میرود و سر دیگرش در اروپا به عنوان صدای اعتراض جنبش رهایی زن در سطح جهان فعالیت دارد.

فمینیسم پست مدرنیستی و جنبش نوین رهائی زن در ایران

سخنرانی حمید تقوایی در سمینار "زنان، انقلاب زنانه و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی"، ۸ دسامبر ۲۰۱۸



هیچ نرم مدرن و پیشرو و انسانی را ندارند. اینجا باز بحث پست مدرنیسم بنظر من وارد میشود. من در بحث های متعددی توضیح داده ام که چطور پست مدرنیسم از آخرین ذره های ترقیخواهی، انسانیت، پیشرفت، تجدد، مدرنیسم و مدنیت که يك موقعی شاخص لیبرالیسم بورژوازی و دمکراسی بورژوازی بود، زمانی پرچم بورژوازی در مقابل قرون وسطا بود، تهی شده است. در تحلیل نهائی بر متن و بخاطر این پارادایم پست مدرنیستی است که زن در ایران به موقعیت قرون وسطا تنزل داده میشود. جمهوری اسلامی همان رفتاری را با زن دارد که مثلاً در قرون وسطا در اروپا داشتند و در ایران نیز در عهد صفویه و یا قاجار برخورد حکو مت به زنان چیزی شبیه همین بود.

موضوع صحبت من نقد پست مدرنیسم از زاویه رهائی زن و نقشی است که انقلاب آتی ایران در جنبش نوین رهائی زن نه فقط در ایران بلکه در مقیاس جهانی ایفا میکند.

میدانید که ستم بر زن، بی حقوقی زن، و کلا تبعیض جنسیتی مساله ای بین المللی است و حتی در پیشرفته ترین کشورهای باصطلاح مهد دمکراسی و صنعتی غرب هم اینرا می بینید. آخرین نمونه جنبش me too در آمریکا است. تبعیض جنسیتی همه جا هست. ممکن است در کشورهای غربی از نظر قانونی و حقوقی تبعیض چندانی بچشم نخورد- که تازه در این سطح هم میشود به مزد برابر در مقابل کار برابر، که هنوز حتی در کشورهای غربی برسمیت شناخته نشده، اشاره کرد. ولی اساس مساله در هر حال اقتصادی-اجتماعی- فرهنگی است و باید از ریشه حل بشود.

در ایران بیحقوقی زن بیداد میکند و اصلاً قابل مقایسه با کشورهای دیگر نیست. در جمهوری اسلامی بی حقوقی و تبعیضات فاحشی که در ابعاد قانونی، دولتی، رسمی و علنی علیه زنان اعمال میشود بیسابقه است. اولین سوال این است که این از کجا آمده؟ چرا اینطورست؟ در يك سطح سیاسی جواب این است که جمهوری اسلامی يك حکومت مذهبی و ماهیتاً ضد زن است و بی حقوقی زن را بعنوان ابزار سلطه خود، سلطه رژیم اسلامی سرمایه در ایران بر توده مردم، بکار گرفته است. اما در يك سطح پایه ای تر این سؤال مطرح میشود که این جنبش اسلامی از کجا سر برآورده و چطور به قدرت رسیده است؟

ریشه مساله این است که جریانات حاکم چه احزاب، چه دولتها و چه حتی جنبشها و گرایشات مختلف راست و حتی لیبرال چپها و فمینیسم سنتی، دیگر توان پاسخگویی به مساله زن را در هیچ جای دنیا ندارند. همانطور که توان پاسخگویی به

پست مدرنیسم در واقع پیشامدرنیسم است، بعد از مدرنیسم نیست، ماقبل مدرنیسم نیست. پست مدرنیسم یعنی بازگشت به عقب. یعنی رجعت از مدرنیسم به نرم ها، قوانین، فلسفه سیاسی، فلسفه اجتماعی قرون وسطایی. مساله زن در ایران بهترین نماد این قضیه است. در تحلیل نهایی و در يك چهارچوب عمومی موقعیت امروز زن در ایران شاخصی از این است که از نظر بین المللی زن در چه موقعیتی است. این همراه میشود با يك فمینیسمی که در دفاع از زن اسلامی حجاب سر می کند. به خودش میگویی فمینیست و طرفدار مسجدا سازی در شهرهای اروپایی است، به خودش میگویی فمینیست و قتلهای ناموسی را نادیده میگیرد و از آنها میگردد و میگویی این جزو "فرهنگ خودشان" است. به خودش

میگویی فمینیست ولی خواستار آنست که در کانادا قوانین اسلامی در امور خانواده برای فرزندان و پناهندگان از جوامع اسلامزده بدست دادگاههای شریعه اجرا شود. در کانادا ما جلوی این عَلم کردن دادگاههای اسلامی ایستادیم و آترا عقب

هر کس در مقابل قانون برابر است. از اینها خبری نیست.

این وضعیت از نظر سیاسی ترجمه شده به روی کار آمدن حکومت ضد زن جمهوری اسلامی در ایران. بنظر من جمهوری اسلامی بر دوش يك فلسفه و يك جهان بینی و يك جهتگیری عمومی پست مدرنیستی بقدرت رسید. صرفاً اینطور نبود که در کنفرانس گوادلوپ دولتهای غربی تصمیم گرفتند و جمهوری اسلامی را روی کار آوردند. يك فضای عمومی سیاسی و يك پارادایمی بود، يك نحوه تفکری بود که معتقد بود جامعه ایران اسلامی است و نرمها و استانداردهای تمدن غربی در مورد آن صدق نمیکند.

هنوز هم میگویند جامعه ایران اسلامی است، خاورمیانه اسلامی است و اسلام سیاسی ریشه در فرهنگ مردم دارد. داعش و جمهوری اسلامی ظاهراً دو شاخه متفاوت از اسلام هستند و جنگ شان عقیدتی است یعنی بخاطر این است که یکی سنی است و یکی شیعه. ۱۴۰۰ سال بود که این سنی ها و شیعه ها در سوریه و عراق و ایران در کنار هم زندگی میکردند و از تروریسم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی خبری نبود. میدانم که در

عهد صفویه و خلفای عباسی مذهب پرچم جنگهای زیادی بود اما وضعیت امروز ادامه آنها نیست. با هم می جنگیدند اما در تاریخ مدرن صد ساله اخیر پدیده ای نظیر داعش یا جمهوری اسلامی نداشتیم. امروز اینها افسار گسیخته اند و بجان مردم افتاده اند. چرا؟ پست مدرنیستها به فرهنگ و عقاید رجوع میکنند: شیعه در برابر سنی و تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب! دو فرهنگ، دو تمدن. جنگ تمدنها! توحشی که اساساً بخاطر سیاستهای پست مدرنیستی بورژوازی سر بر آورده را پیاپی فرهنگ مردم قربانی این سیاستها می نویسند!

این اوج تعفن و گندیدگی و منجلاجی است که بورژوازی امروز به جهان تحمیل کرده است و اولین قربانی هایش زنان هستند. و به همین خاطر قدرت جنبش رهائی زن و قدرت زنان يك نیروهای اساسی زدن زیر این اوضاع است.

ما چرا میگوییم انقلاب آتی ایران زنانه خواهد بود؟ و یا بعبارت بهتر چرا انقلاب سوسیالیستی در ایران زنانه خواهد بود؟ این فقط به این دلیل نیست که زنان در صف مقدم و خیلی شجاع هستند، فقط

فمینسم پست مدرنیستی و ...



ترامپ را نگاه کنید؛ میگوئید نه، اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی را ببینید. دولتها و جنبش باصطلاح لیبرال-چی را ببینید که قتل‌های ناموسی را نه در ایران بلکه در خود پایتخت‌های اروپایی به اسلام‌بیز می‌بخشد. میدانم منافع اقتصادیشان اینطور ایجاب میکند. اما این یک سطح قضیه است، یک سطح سیاسی-اقتصادی و اولین برخورد به مساله این است. اما این منافع اقتصادی امروز با دکتترین پست مدرنیسم تئوریزه و تبیین و توجیه شده است. بورژوازی رسماً و علناً از تمدن و مدنیت دست شسته و منافع عمیق اقتصادی‌اش و اقتصاد سیاسی این دوره ایجاب می‌کند که آدم‌ها را در هویت‌های محلی، مذهبی، قومی، ملیتی و منطقه‌ای خودشان بچپانند و به آن عنوان بشناسانند. اولین و بیشترین قربانی این دیدگاه زن است. زن در کشورهای اسلام زده و زن در همه کشورها. به همین خاطر چالشی که ما در ایران داریم، مبارزه ما برای رهایی زن، یک بعد جهانی دارد. این چالشی است علیه کل آن سیستم فکری، سیاسی و فرهنگی که فمینیسم در مونترال چادر سرش می‌کند، روز ملی حجاب اعلام می‌کند و خواهان مسجدسازی میشود و خواهان پیاده شدن قوانین خانواده اسلامی در استان انتاریو کانادا میشود و در انگلیس هم تا همین امروز مریم نمازی دارد بر علیه این ارتجاع ضد زن می‌جنگد.

ما در کانادا کاری کردیم که نخست وزیر لیبرال وقت استان انتاریو بعد از بیش از یک ماه کمپین قدرتمند علیه دادگاه‌های شریعه که آنرا هما ارجمند به پیش میرد بالاخره ناگزیر شد اعلام کند

به این خاطر نیست که زنان، از روز اول که علیه حجاب بلند شدند تا به امروز، در جلوی صف در برابر جمهوری اسلامی ایستاده‌اند. همه اینها درست است. ولی جنبه مهمتر اینست که جنبش رهایی زن کل زن ستیزی بورژوازی پست مدرنیستی را بچالش میکشد.

اساس مساله اینست که در تفکر و فلسفه سیاسی سرمایه داری امروز مساله تبعیض جنسیتی تماماً کنار گذاشته شده. ریشه مساله سرمایه داری در عصر پست مدرنیسم است. بینش و دکتترینی که حتی نمی‌گوید زن هندورا نباید با شوهرش فوت شده اش سوزاند. که زن نیجریه‌ای که بیوه میشود جزو املاک خانواده شوهر نیست. اعتراضی به این ندارد که زن نیجریه‌ای نه تنها هیچ ارث و میراثی نمیبرد بلکه خودش به مالکیت پدرشوهر و برادر شوهر در می‌آید. اینها دارد هر روز اتفاق می‌افتد. آیا این روی میز فمینیست هاست؟ روی میز دمکراتها است؟ روی میز لیبرال‌ها است؟ روی میز حتی کمونیسم سنتی است؟ خیر! روی میز کمونیسم کارگری است. و وقتی ما بر ستمکشی زن تاکید میکنیم میگویند کارگر یادتان رفت. پاسخ ما اینست که نقد بیحقوقی زن عمیقترین نقد به بورژوازی دنیا است. فقط کارگر میتواند زن را آزاد کند. فقط سوسیالیستها میتوانند زن را آزاد کنند. فمینیسم غیر سوسیالیستی نداریم. من در سخنرانی بمناسبت سالگرد حزب هم گفتم آزادی غیر سوسیالیستی نداریم، تمدن غیر سوسیالیستی نداریم، جامعه مدنی غیر سوسیالیستی نداریم، مدنیت غیر سوسیالیستی نداریم. میگوئید نه،

جنبش رهایی زن در ایران است. مذهب در حکومت، زن ستیزی اسلامی را به قانون و به اخلاقیات و تبلیغات رسمی دولتی در جامعه تبدیل کرده است و این واقعیت به جنبش رهایی زن در ایران یک خصلت عمیق ضد مذهبی داده است. اما زن ستیزی ویژه اسلام نیست. مردهای یهودی در دعاهایشان خدا را شکر می‌کنند که زن آفریده نشده‌اند، کاتولیک‌ها زن را ابزار تولید مثل میدانند، و همه مذاهب عقب مانده‌ترین و ارتجاعی‌ترین نظرات و قوانین ضد زن را نمایندگی میکنند. مذاهب رایج امروز در عصری از تحجر و عقب ماندگی بشریت ریشه دارند که زن را برده جنسی و ابزار و کالای جنسی مورد استفاده مرد تلقی می‌کرده است. ازینرو ضد مذهبی بودن جنبش رهایی زن در همه کشورها مهمترین خصیصه آنست. رهایی زن در ایران در گرو نقد سوسیالیستی مذهب و انقلاب سوسیالیستی است. نمیتواند اینطور نباشد. چه کسی؟ کدام دموکرات، کدام لیبرال، کدام فمینیست، می‌خواهد دادخواه زنی باشد که دارد زیر سلطه اسلام له میشود؟ فمینیست لیبرالی که خودش در تورتو و لندن و استکهلم دارد مسجد سازی می‌کند، دارد در دفاع از "فرهنگ اسلامی" حجاب سرش می‌کند، دارد قتل‌های ناموسی را چشم پوشی میکند؟ اینها می‌خواهند مساله زن را حل کنند؟!

آقای رضا پهلوی وقتی می‌خواهد از حقوق زن دفاع کند آنها را به لقب پرورش دهندگان نسل آتی مفتخر میکند. خانم تاجر هم همین را میگفت، آقای ترامپ همین را میگفت، پاپ اعظم هم همین را میگفت. "بهشت زیر پای مادران است" این تکیه کلام همه مذهبیون و نیروهای راست در دفاع از "مقام شامخ زن" در جامعه است. هر وقت بحران میشود زن را به خانه میفرستند که نسل آتی را پرورش بدهد و وقتی به نیروی کارش احتیاج دارند با نصف حقوق مرد استخدامش کنند. هنوز امر برابری دستمزدها، مزد برابر برای کار برابر یک موضوع حل نشده حتی در جوامع غربی است. از این نقطه نظر

یک کشور یک قانون. آنچه ما در خیابان فریاد می‌زدیم و پرچم مبارزه مان بود، از زبان یک سیاستمدار لیبرال جاری شد و مجبور شد برگردد به ریشه‌های لیبرالی و مدرنیستی خودش. جلوی قوانین شریعه و دادگاه‌های اسلامی در کانادا را گرفتیم، ولی مدارس مذهبی هنوز هست، مدرسه اسلامی دارند، مدرسه کاتولیک دارند، مدرسه یهودی دارند.

سکولاریسم سیصد سال قبل در عصر روشنگری، اعلام کرد مذهب از آموزش و پرورش جدا و الان رسماً چپ‌ترین لیبرال بورژواها خواهان مدارس اسلامی، یهودی و کاتولیک و غیره هستند. و باز اولین قربانی زن است.

فمینیسم واقعی، فمینیسم سوسیالیستی و پرچم رهایی زنی که طبقه کارگر بلند می‌کند خصوصیات دارد که از فمینیسم در اوج قدرت خودش در دهه شصت و هفتاد برعکس است. این خصوصیات به نظر من بیش از هر جای دیگر در جنبش رهایی زن در ایران نمایندگی میشود.

وقتی یک فنر را فشار میدهید و رهاش می‌کنید، جای اول خودش نمی‌ایستد. صدها قدم جلوتر می‌پرد. وقتی حکومت زن ایرانی را مبرده به قهر بی حقوقی، فکر نکنید به زمان شاه بر میگردد؛ از سوئد جلو میزنند. نمونه‌هایش را سخنرانان دیگر پانل، شیرین و شهلا بیان کردند. زن در ایران طوری رفتار می‌کند و توقع و خواسته‌هایش را مطرح میکند که نه تنها در کشورهای اسلامزده نامتعارف و خارج از نرم است بلکه یک فمینیست پست مدرنیستی حتی در جامعه خودش هم انتظار ندارد اینطور باشد. جنبش رهایی زن در ایران از نظر زدن به زیر تابوها و مقدسات مذهبی و مردسالارانه، از نظر روابط آزاد جنسی که خواهان آنست، از نظر ادعایی که دارد، انتظاری که دارد، توقعی که از زندگی دارد در صف مقدم جنبش رهایی زن در دنیا قرار دارد.

اولین خصیصه فمینیسم سوسیالیستی ضدیت با مذهب است و این مهمترین خصیصه

هم در یک مقیاس جهان باید گفت جنبش رهایی زن، جنبش نوین رهایی زن، خصلت چپ و سوسیالیستی دارد. رگه‌هایی از این حرکت را در جهان می‌بینید. به نظر من جنبش اعتراض عریان و جنبش فمین زدیکترین حرکت و رگه‌های اعتراضی به جنبش نوین رهایی زن در شرایط امروز هستند.

یک خصلت این حرکتها - فمین و اعتراض عریان - تابو شکنی است. و تابوشکنی، و نه فقط تابوشکنی ضد مذهبی بلکه کلا تابوشکنی ضد مقدسات و اخلاقیات و سنتها و فرهنگ ضد زن، یک امر مهم جنبش رهایی زن است. نود درصد تابوها و مقدسات علیه زن است، نود درصد اخلاقیات گنبدیده مبتنی بر تلقی از زن و رفتار با زن بعنوان ناموس، بعنوان کالای جنسی، بعنوان ضعیفه و بعنوان جنس دوم، بعنوان مادر بچه، بعنوان پرورش دهنده نسل آتی، و بعنوان همه چیز بجز انسان برابر و هم ارز با مرد است. یک بعد مهم اخلاقیات مسلط در هر جامعه‌ای تحقیر و تبعیض علیه زن است. ازینرو تابوشکنی و در افتادن با اخلاقیات مسلط را باید یک خصیصه دیگر جنبش نوین رهایی زن بحساب آورد.

خصیصه دیگر جنبش نوین رهایی زن جهانشمول بودن است، یونیورسال بودن است. امروز هیچ فمینیستی از حقوق جهانشمول و یکسان زنان در همه کشورها سخن نمی‌گوید، بخاطر اینکه فمینیسم امروز بر متن و بستر پست مدرنیسم خود را تعریف میکند. پست مدرنیسم بنا به تعریف به جهانی بودن هیچ چیز معتقد نیست، به جهانی بودن آزادی معتقد نیست، به جهانی بودن تمدن معتقد نیست، به جهانی بودن تمدن معتقد نیست، به پیشروی در تاریخ جوامعی پیشروتر از جوامع دیگر هستند معتقد نیست. میگویند

"تمدنهای" مختلفی وجود دارد و همه تمدنها مساویند. معتقدند فرهنگ نیجریه‌ای که زن بیوه را جزو املاک پدرشوهر میدانند تمدن دیگری است و باید محترم شمرده

فاجعه ای دیگر، مدرسه ای دیگر، و کودکانی دیگر



وزن و مرد رحم نمیکنند. فریاد اعتراض کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان از سرتاپای این جامعه هرروز بلند است. در اهواز و شوش و اصفهان و رشت و تهران و شیراز و همه جا اعتراض میجوشد. بهم پیوستن این فریادهاست کودکان ما را میتواند نجات دهد. اتحاد و عزم ما مردم است که میتواند مانع این شود که دیگر فاجعه شین آباد و اسوه و جاهای دیگر را شاهد نباشیم. تحصیل در این مملکت باید برای همه کودکان رایگان باشد. مدارس باید بر اساس استانداردهای بین المللی قابل قبول کنترل شوند. سران حکومت اسلامی و مقامات این حکومت به جرم جنایت علیه کودکان و مردم باید محاکمه شوند. زنده باد همه مردمی که در این سرمای زمستان و با هزار مشکل شب و روز در حال اعتراض علیه مفتخوران خبیث حاکم هستند. کودکان ما مثل نان شب به این اعتراضها نیاز دارند. همه ما به این اعتراضات نیاز داریم.

فریاد بزیم: منزلت، معیشت حق مسلم ماست. تحصیل رایگان و مدارس مناسب حق مسلم کودکان ماست... و بزودی بصورت میلیونی فریاد خواهیم زد: نابود باد جمهوری اسلامی!

مونا و یکتا و صبا و مریم است. آیا واقعا در این مملکت پول

و بودجه و ثروت کم است؟ همین دیروز اعلام کردند که ۴۰ میلیارد تومان از حقوقهای نجومی بگیران را پس گرفته اند. آنهم زیر فشار اعتراضات مردم و برای لاپوشانی دزدیها و حقوقهای نجومی است. هزار برابر آنرا هم لاپوشانی کرده اند. همین روزها هزاران نیروی پاسدار و بسیج را به هفت تپه و اهواز فرستادند تا کارگران حق طلب فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه را دستگیر و زندانی کنند. یک عالمه پول خرج آن قضات کله پوک و ریشوی جنایتکار میکنند که کارگر فولاد و هفت تپه و هیکو را محاکمه و محکوم کنند. صدها هزار نیروی تروریست اسلامی را به عراق و سوریه و یمن گسیل کرده اند. میلیاردها دلار در حسابهای آخوندهای میلیاردی در چین و روسیه و مالزی و جاهای دیگر

تلقین شده است. از این نوع حفره ها در حکومت اسلامی بسیار و بسیار است. بودجه کافی برای مدارس نیست چون حفره ها و چاههای عمیق دزدی بسیار زیاد است. بودجه ای که باید خرج مدارس شود اینجایها صرف میشود. این بچه های معصوم که پرپر میشوند قربانی این سیستم کثیف و ضد انسانی هستند. قاتل این کودکان آشکارا جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری حریص و بیرحمی است که به کارگر و معلم و کودک

کاظم نیکخواه

چهار کودک دیگر همچون کودکان شین آباد، این بار در زاهدان در آتش سوختند و جان باختند. روز سهشنبه این هفته، بخشی از مجتمع پیش دبستانی و دبستانی "اسوه حسنه" واقع در خیابان مصطفی خمینی در شهر زاهدان دستخوش آتش سوزی شد که در اثر آن این چهار دانش آموز پیش دبستانی به شدت آسیب دیدند و بعدا جان خود را از دست دادند. روز گذشته ۲۸ آذر پیکرهای مونا خسروپرست، صبا عربی و یکتا میرشکار در میان آندوه و خشم مردم شهر زاهدان به خاک سپرده شد. شب گذشته چهارمین دانش آموز بنام مریم نوکندی که به بیمارستان منتقل شده بود به خاطر گستردگی سوختگی جان خود را از دست داد. شمار دیگر کودکان آسیب دیده در این آتش سوزی اعلام نشده است.

براستی قلب انسان از حرکت باز می ایستند. شنیدن این خیرهای فاجعه بار تکان دهنده و تاسف بار است. ما مردم در قبال این کودکان معصوم مسئولیم. مسئولیم که نگذاریم گرگان حاکم اینها را اینچنین در کودکی پرپر کنند. چرا مدارس تحت نظارت دقیق و کنترل و حسابرسی نیستند؟ چرا مدارس از سیستم گرمایشی و سرمایشی مناسب برخوردار نیستند؟ چرا بودجه کافی به آموزش اختصاص داده نمیشود؟ جمهوری اسلامی قاتل

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان

۵۸۳۶۵۷۵۰۲ Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 ۴۹۰۰

Account #: 84392 00269 13

هلند

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number #: 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

۸۱ ۴۷۷۹ IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

یک زندگی شاد، ایمن و خلاق حق مسلم کودکان است!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: عبدل گلپریان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



اطلاعیه های حزب:

تجمعات بازنشستگان در رشت و کرمانشاه

روز چهارشنبه ۲۸ آذر بازنشستگان در شهرهای رشت و کرمانشاه برای پیگیری خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند. تجمع سراسری بازنشستگان در روز گذشته در مقابل مجلس اسلامی برپا شده که بیش از سه هزار نفر در آن شرکت داشتند و بازنشستگانی از شهرستانها برای حضور در این تجمع به تهران آمده بودند. دیروز در مشهد نیز بازنشستگان تجمع کردند. در ادامه این تجمعات اعتراضی بازنشستگان در اصفهان، یزد و تبریز نیز در ساعت ده صبح تجمع خواهند داشت. در تجمع امروز بازنشستگان در رشت و کرمانشاه شعارهای مشابهی چون بازنشستگان در تهران سر داده شد که دردهای عمومی آنها را بیان میکرد. از جمله در کرمانشاه شعارهای "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معلم کارگر یار همدیگر"، "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، "فریاد، فریاد از این همه بیداد"، "کارگر معلم دانشجوی اتحاد اتحاد"، "اگر ماها نبودیم تو آن بالاها نبودی"، "حقوق ما ربالیه هزینه‌ها دلاریه"، "دشمن ما همین جاست، دورغ میکند آمریکاست" سر داده شد. این شعارها فریاد اعتراض همه مردم است. بازنشستگان در تجمعات این دو روزه حمایت خود را از کارگران زندانی اعلام داشتند. در تجمعی که مقابل استانداری رشت برگزار شد شماری از بازنشستگان از شهرهای دیگر استان گیلان همچون انرلی، طالبش، لاهیجان، رودسر و لنگرود شرکت داشتند.

بازنشستگان خواهان افزایش پرداختی‌ها به بالای خط فقر و درمان رایگان و خواسته‌های دیگری هستند که کاملاً بحق است و علیرغم بارها اعتراضات هزاران نفره، حکومت اسلامی به هیچیک از خواسته‌های آنها پاسخی نداده است. وسیعاً از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ آذر ۱۳۹۷، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸

کارگران فولاد اهواز خواستار آزادی فوری همکاران خود هستند فراخوان کارگران فولاد اهواز به تجمع در مقابل دادگاه برای آزادی بازداشت شدگان

روز ۲۸ آذر تعدادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز جهت ضمانت آزادی ۲۱ نفر از

"کارگر زندانی حمایت میکنیم"، خواستار آزادی همکاران بازداشتی خود شدند.

بدین ترتیب در حالیکه کارگران گروه ملی پیگیر آزادی همکاران بازداشتی و خواسته‌هایشان هستند، مقامات حکومت از بیم گسترش بیشتر موج همستگی‌ها با این کارگران، تلاش میکنند موضوع را خاتمه یافته اعلام کنند. از جمله روز گذشته نماینده وزیر کار در رسیدگی به "بنگاههای مشکل دار" از آغاز به کار فعالیت گروه ملی فولاد اهواز و آزادی تمامی کارگران بازداشت شده تا بیست و هشتم آذر ماه خبر داد. مدیر عامل بانک ملی (مالکیت موقت کنونی گروه ملی) نیز در توضیح وضعیت گروه ملی فولاد اهواز با وقاحت تمام و بدنبال چهل روز اعتراض در این مجتمع کارگری، از اینکه گویا "هم مواد اولیه هست، هم نقدینگی"، کارگران را مانع فعالیت کارخانه اعلام کرد. او در ادامه این ادعا گفت "کارگران گروه ملی فولاد به بهانه حمایت از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه کارشان را تعطیل کردند. این در حالی است که مشکل کارگران نیشکر هفت تپه حل شد و به سر کار خود بازگشتند، اما کارگران فولاد به اعتراض خود ادامه دادند". در آخر نیز همانند همه مقامات حکومتی برخی "عوامل بیرونی" را عامل تحریک کارگران فولاد اهواز اعلام کرد.

این درحالیست که مدیر عامل گروه ملی صنعتی فولاد اعلام کرده است که ۷۰۰ میلیارد تومان دیگر برای راه اندازی کامل هر هفت خط کارخانه و وارد کردن مواد اولیه برای تولید مورد نیاز است. اعتراض کارگران نیز به این بی سرنجامی وضع کارخانه و خطر از دست دادن کارشان است. کارگران به نداشتن امنیت شغلی، بی تاملی، نپرداختن ب موقع دستمزدها و وضعیت نابسامان زندگی شان اعتراض دارند.

حفظ اتحاد کارگران با اتکاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری های جمعی شان، تلاش یکپارچه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان، همراهی خانواده های بازداشت شدگان و همه خانواده های کارگری، ادامه همستگی های کارگری و بخش های مختلف جامعه، اینها حلقه های مهم و کلیدی برای موفقیت کارگران است.

حزب کمونیست کارگری ایران مردم شهر اهواز و همه کارگران، معلمان، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه را به حمایت گسترده از کارگران گروه ملی فولاد اهواز فرا میخواند. کارگران بازداشتی فولاد اهواز باید فوراً و بدن و قید و شرط آزاد شوند. از جمله آزادی کارگران در قبال وثیقه به معنای

بازنگهداشتن پرونده های امنیتی آنان و تهدید دستگیری مجددشان است. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران بازداشتی فولاد باید فوراً لغو و بسته شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
مرگ بر حکومت اسلامی سرمایه داران
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ آذر ۱۳۹۷، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸

لیستی از حمایت ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز:

- حمایت بازنشستگان در تجمع اعتراضی سه هزار نفره خود در روز ۲۷ آذر
- اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور مشتمل از ۲۶ انجمن و سندیکا،
- پیام همستگی کارگران نیشکر هفت تپه،
- گروه نفتگران متحد خوزستان
- رانندگان کامیون غرب کشور
- دانشجویان دانشگاههای خوزستان،
- گروههایی از رانندگان و کامیونداران خوزستان، کرمان، مشهد، قم، گیلان، استان یزد با کلیههایی حمایت خود را از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند
- ادمنین ها و اعضای گروه فرهنگیان و معلمین خوزستان،
- گروه تلگرامی "حمایت از معلمین در بند"،
- ۱- برگروه دانشجویان ایران
- رانندگان کامیون کرمان،
- سندیکای شرکت واحد
- اتحادیه آزاد کارگران ایران،
- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،
- کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری،
- گروه اتحاد بازنشستگان،
- پیام حمایت تعدادی از دانشجویان،
- تجمع اعتراضی حمایتی کارگران آرسین فولاد (۲۷ آذر)
- بیانیه حمایتی تعدادی از دانشجویان کرمان
- جمعی از کارگران در شهر رشت با ارسال پیام حمایتی در مدیای اجتماعی
- اعلام حمایت رانندگان استان اردبیل از کارگران فولاد اهواز
- کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)
- کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
- کمپین آزادی کارگران فولاد
- تمام بازداشت شدگان بازداشتی**

اطلاعیه های حزب

فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد شوند

پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران باید فوراً بسته شود

بدنبال اعتراضات گسترده کارگران از شب گذشته تا کنون یازده نفر از کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز آزاد شده اند. اما سی نفر دیگر از کارگران همچنان در بازداشت بسر میبرند. حبیب طباطبایی شب گذشته آزاد شد. ده نفر دیگر به اسامی جواد غلامی، محسن بلوطی، مهدی طهماسبی، کوروش اسماعیلی، علی امامی، عبدالرضا دستی، سهراب نعیمی، حسین عساکره، فریبرز شیخ رباط و علی جواد پور امروز آزاد شدند. به گزارش سایت دولتی ایلنا یازده نفر دیگر از کارگران طی روزهای شنبه و یکشنبه و باقی آنان در روزهای بعد آزاد خواهند شد. اما کارگران گروه ملی فولاد اهواز به ادامه بازداشت همکارانشان اعتراض داشته و خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان هستند. این کارگران در جلسه مجمع عمومی فردای خود که هر پنجشنبه برگزار میشود، در مورد چگونگی ادامه اعتراضاتشان برای آزادی تمامی همکاران بازداشتی و پیگیری خواستههایشان تصمیم گیری خواهند کرد.

از سوی دیگر بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران از صبح امروز اس ام اس هایی از سوی دادگستری شهرستان شوش به آن دسته از کارگران نیشکر هفت تپه که در طول اعتصاب ۲۸ روزه شان بازداشت شده بودند، ارسال و در آن گفته شده است: "قرار نهایی برای پرونده شما صادر شد". بنا بر این خبر علاوه بر ارسال این اس ام اس ها، طی تماسی تلفنی از سوی ستاد خبری اداره اطلاعات شوش با نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و فعالین کارگری این شرکت، تعداد چشمگیری از آنان به این نهاد احضار شده اند که از آنها خواسته شده بود که ساعت یک عصر امروز در محل این نهاد حضور پیدا کنند.

این خبرها حکایت از تلاش و تقلائی حکومت اسلامی برای عقب زدن این دو سنگر مهم جنبش اعتراضی کارگری یعنی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه در اعتراضاتشان با جلو آوردن گفتمان های آزادیخواهی، برابری طلبی و اداره شورایی و حق تشکل و اعتصاب، خواستههای کل جامعه را فریاد زدند و در مقابل کل کارگران و مردم راه نشان دادند. این کارگران با چنین گفتمان هایی توانستند دانشگاهها و کل بخش های جامعه را به حمایت از خود جلب کنند و صدایشان جهانی شود. رسوایی حکومت

اسلامی در افکار عمومی جهانیان با این اعتراضات بسیار وسیعتر و عمیقتر شد. بدون تردید فشارهای بیشتر بر این کارگران تنها نفرت و انزجار از این حکومت را در میان کارگران و مردم ایران و جهان گسترش بیشتری خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن اعلام حمایت قاطعانه از کارگران گروه ملی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه همه کارگران و کل جامعه را به حمایت فعال از این کارگران فرا میخواند. با اعتصابات حمایتی و جمععاتی نظیر تجمع اعتراضی کارگران آریان فولاد قزوین و یا اعلام حمایت در جمععاتی نظیر حمایت بازنشستگان از کارگران در مقابل مجلس اسلامی و یا همچون دانشجویان با تجمع و شعارهای حمایتی و با اشکال دیگر باید از کارگران فولاد و نیشکر هفت تپه حمایت کرد. تمامی کارگران بازداشتی باید آزاد شوند و تمامی خواستههای کارگران عملی شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شورا ها

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ آذر ۱۳۹۷، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸

اخباری از

جنبش کارگران و معلمان

محمد رضا رمضانی زاده

معلم زندانی آزاد شد

روز ۲۵ آذر محمد رضا رمضانی زاده یکی از معلمان معترض که در جریان اعتصاب سراسری معلمان در آبانماه و تحصن دو روزه آنان در دفاتر مدارس بازداشت شده بود، آزاد شد. آزادی او نتیجه کارزار گسترده معلمان برای آزادی بازداشت شدگان است. "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" اولتیماتوم اولتیماتوم داده بود که اگر همه معلمان بازداشتی آزاد نشوند و به خواستههایشان پاسخ داده نشود دوباره به میدان خواهند آمد. آزادی محمد رضا رمضانی زاده را به او، به خانواده اش و به همه معلمان و مردم تبریک میگویم.

ادامه اعتراض کارگران

در پتروشیمی فارابی

روز ۲۵ آذر کارگران پتروشیمی فارابی در ماهشهر در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و با خواست فوری اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای چندمین روز متوالی دست به تجمع زدند. زیر فشار این اعتراضات مدیر روابط عمومی این شرکت "در حال اجرا بودن" این طرح را اعلام کرد. به گفته او اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در حال انجام است.

کارگران پتروشیمی فارابی قبلاً نیز در رابطه با این موضوع جمععاتی بر پا کرده اند. اما تا کنون چیزی جز وعده نصیبشان نشده است.

تجمع اعتراضی

کارگران شهرداری بروجرد

روز ۲۵ آذر حدود ۲۰۰ تن از کارگران و کارکنان شهرداری بروجرد با حضور مقابل فرمانداری این شهرستان خواستار پرداخت ۹ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند. شهرداری بروجرد دارای هزار و ۷۰۰ کارگر است که در سال های اخیر حقوق های آنها با تاخیر پرداخت می شود.

تجمع اعتراضی کارگران

لایروپکار در کوت عبدالله

روز یکشنبه ۲۵ آذرماه ۹۷ کارگران لایروپکار کوت عبدالله واقع در استان خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماهه مزد و ۱۴ ماه حق بیمه خود در مقابل شورای این شهر تجمع کردند.

تجمع جوانان بیکار رفسنجان مقابل مجتمع مس سرچشمه

روز ۲۵ آذر تعداد زیادی از جوانان بیکار در رفسنجان با خواست اشتغال در مقابل مجتمع مس سرچشمه تجمع کردند. "یا کار یا بیمه بیکاری مکفی" باید شعار همه بیکاران باشد. این حق همه بیکاران است که از بیمه مکفی و زندگی انسانی برخوردار شوند.

تجمع صدها کارگر بازنشسته

صنایع مخابرات راه دور شیراز

مقابل استانداری

روز ۲۵ آذر حدود ۴۰۰ نفر از کارگران بازنشسته صنایع مخابرات راه دور شیراز در رابطه با مطالبات دوازده ساله خود مقابل استانداری فارس تجمع کردند. این کارگران بعد از ۱۲ سال همچنان مطالبات ایام اشتغال خود را طلب دارند. در این تجمع کارگران بازنشسته با در دست داشتن بنری خواستههایشان را بر روی آن نوشته بودند.

۱۰۰ هزار کارگر خودرو سازی در

خطر بیکارسازی

بنا بر خبرمنتشر شده از سوی دبیر انجمن "قطعه سازان همگن" تاکنون حدود ۲۰۰ هزار نفر از کارگران قطعهساز بیکار شده اند و موج سوم بیکار سازی کارگران در راه است و گفته میشود ۱۰۰ هزار کارگر دیگر از کار بیکار خواهند شد. این یک هشدار جدی است و باید جنبش یا کاریا بیمه بیکاری را به جریان انداخت.

عدم پرداخت حق بیمه کارگران

کارخانه ماشین سازی تبریز

کارگران شاغل در کارخانه ماشین سازی

تبریز به دلیل کاهش ۷۰ درصدی ظرفیت تولید، نگران امنیت شغلی خود هستند. به گفته کارگران حق بیمه "تکمیلی" آنها از از مرداد ماه پرداخت نشده است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شورا ها

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ آذر ۱۳۹۷، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۸

چند خبر از

اعتراضات وسیع کارگری

ادامه اعتراضات

کارگران پتروشیمی فارابی

روز ۲۷ آذر کارگران پتروشیمی فارابی در بندر ماهشهر در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای هفتمین روز متوالی تجمع کردند. این اعتراضات ادامه دارد.

تجمع اعتراضی

کارگران شهرداری بروجرد

روز دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۷ حدود ۳۰۰ تن از کارگران و کارکنان شهرداری بروجرد برای هفتمین روز متوالی با حضور در محوطه شهرداری مرکزی این شهر خواستار پرداخت ۹ ماه حقوق معوقه خود شدند. کارگران در اعتراضات چند روزه خود با شعار "مرگ بر ستمگر درود بر کارگر" فریاد اعتراضشان را به این بساط توحش و بردگی بلند کردند.

تجمع اعتراضی پرسنل

بیمارستان خمینی در کرج

روز سه شنبه ۲۷ آذرماه ۹۷ کارکنان بیمارستان خمینی در کرج در اعتراض به پرداخت نشدن یکسال حقوق معوقه و بلا تکلیفی وضعیت بیمارستان و از دست دادن شلغشان بار دیگر در مقابل بیمارستان تجمع کردند.

مسدود کردن خیابان

توسط کارگران

مخابرات راه دور شیراز

روز ۲۶ آذر حدود صد نفر از کارگران بازنشسته مخابرات راه دور در شیراز (I.T.I) در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی و سنوات بازنشستگی مقابل استانداری استان فارس تجمع کردند. بنا بر خبرها بیش از ۱۲۰۰ کارگر بازنشسته این کارخانه ده سال است که بازنشست شده اند و هنوز بخشی از طلبهایشان پرداخت نشده است.

تجمع اعتراضی کارگران سد

تنظیمی آریوبرزن بهبهان

روز ۲۶ آذر کارگران سد تنظیمی آریوبرزن بهبهان در اعتراض به عدم پرداخت ۶

اطلاعیه های حزب

ماه حقوق از سوی کارفرما مقابل محل کار تجمع کردند.

نپرداختن دستمزدهای کارگران یک دزدی آشکار و جنایتی در حق خانواده های کارگری است. در سرتاسر جامعه اعتراضات به این دزدی و چپاول جریان دارد. این جنبش را باید گسترش داد و مفتخوران سرمایه دار و حکومتشان را ناچار به تن دادن به این خواست بحق کرد که حقوق و دستمزدهای همه کارگران تماما پرداخت شود و به کارگران به دلیل نپرداختن به موقع دستمزد غرامت پرداخت شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آذر ۱۳۹۷، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸

تجمع قریب سه هزار نفر از بازنشستگان مقابل مجلس اسلامی معلم زندانی، کارگر زندانی آزاد باید گردد

روز ۲۷ آذر بنا به گزارش سایتهای بازنشستگان نزدیک به سه هزار نفر از آنها در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و با در دست داشتن پلاکاردها و سخنرانیهایی برخواستهای خود تاکید کردند. این تجمع در ادامه تجمعات قبلی بازنشستگان و عدم پاسخگویی به آنها برپا شده بود. تجمع امروز بخشهای مختلف بازنشستگان جلوه درخشانی از همبستگی و اتحاد مردم را بیان میکرد. شعارهای بازنشستگان از جمله شعارهایی چون "کارگران فولاد آزاد باید گردند"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "از اهواز تا تهران، زحمتکشان در زندان"، "بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم همسرنوشتی طبقاتی همه کارگران و معلمان و کارکنان محروم جامعه را بازتاب میداد.

شعارهای دیگری که بازنشستگان در این روز فریاد میزدند و بر روی بنرهایشان نقش بسته بود عبارت بودند از: "حقوق ما ریالیست. هزینه ها دلاریه"، "فریاد فریاد از این همه بیداد"، "بیمه رایگان حق مسلم ماست"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "تحصیل رایگان حق مسلم فرزندان ماست"، "دولت خیانت می کند؛ مجلس حمایت میکند"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست"، "معلم، کارگر، اتحاد، اتحاد"

در تجمع این روز بازنشستگان در مقابل سازمان برنامه و بودجه علیه نوبخت رئیس این سازمان و مشاور روحانی شعار دادند و چند نفر از بازنشستگان در سخنرانی هایشان

اعلام کردند که هیچ نماینده ای برای مذاکره ندارند و خواستهای آنها معیشت و درمان و آزادی معلمان و کارگران زندانی است.

تجمع اعتراضی بازنشستگان در ساعت دوازده و نیم ظهر در حالیکه باران شدیدی می بارید به پایان رسید و بازنشستگان اعلام کردند که اگر در بودجه سال ۹۸ حکومت و سیاستهای آن جایی به خواستهای آنها داده نشود، با قدرت بیشتری به اعتراضات متحدانه خود ادامه خواهند داد. در مشهد نیز امروز از ساعت ده صبح عده ای بازنشستگان در بلوار وکیل آباد این شهر مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند و خواستهایشان را با شعار و سخنرانی اعلام کردند.

حرکت امروز بازنشستگان بیانگر جلو آمدن مجدد بازنشستگان با خواستهای بحق آنهاست و مورد حمایت و پشتیبانی همه کارگران و مردم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آذر ۱۳۹۷، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در اصفهان، یزد و ابهر

در ادامه تجمعات اعتراضی بازنشستگان در دو روز گذشته، امروز پنجشنبه ۲۹ آذر بیش از هزار نفر از فرهنگیان و معلمان شاغل و بازنشستگان در اصفهان در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. یک شعار برجسته بازنشستگان در این تجمع آزادی معلمان زندان و اعتراض به فاجعه جانباختن ۴ دانش آموز در مدرسه ای در شهر زاهدان بخاطر ناامنی مدارس بود.

در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند "بودجه شده سهم شما، آتش به جان بچه ها"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست"، "اسلامو پله کردن، مردمو ذله کردن". در همین روز در شهرهای یزد و ابهر نیز تجمعات اعتراضی مشابهی از سوی بازنشستگان برپا شد. تجمع در یزد در پارک فناوری این شهر برگزار گردید.

در سه روز اخیر چندین تجمع اعتراضی از سوی بازنشستگان در شهرهای تهران، مشهد، کرمانشاه، رشت، یزد، اصفهان و ابهر برپا شده است. در تجمع بازنشستگان در رشت شماری از بازنشستگان از شهرهای دیگر استان گیلان

همچون انزلی، طالش، لاهیجان، رودسر و لنگرود نیز شرکت داشتند. همچنین در تجمع بیست و هفتم آذر بازنشستگان حضور نمایندگان از بازنشستگان شهرهای دیگر به چشم میخورد و برجسته بود.

در این اعتراضات بازنشستگان با شعارهای چون کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو، اتحاد، اتحاد، کارگران فولاد آزاد باید گردد، یک همبستگی شورانگیز طبقاتی را به نمایش گذاشتند.

بازنشستگان به زندگی زیر خط فقر، به اختلاس و حقوق های نجومی به عنوان بخشی از بساط دزدسالار حاکم اعتراض دارند. بازنشستگان به بی تاملی و محرومیت از پایه ای ترین بیمه های اجتماعی چون هزینه سنگین درمان و نبود درمان رایگان برای همه و تحصیل رایگان برای همه کودکان و برخورداری از تسهیلات لازم برای تامین مسکن اعتراض دارند. بازنشستگان به امنیتی کردن مبارزات و دستگیری کارگران و معلمان و مردم و به این بساط سراپا تبعیض و نابرابری اعتراض دارند و این را در بیانیه هایشان و در شعارهای اعتراضی شان به اشکال مختلف بیان کرده اند. از اعتراضات بازنشستگان فعلا نه حمایت کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ آذر ۱۳۹۷، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸

اعتصاب خطاری رانندگان کامیون و کامیونداران

روز ۲۶ آذرماه به مناسبت روز جهانی حمل و نقل رانندگان کامیون و کامیونداران در ادامه چندین دوره اعتصاب قدرتمند سراسری دست به اعتصابی خطاری زدند. رانندگان کامیون همچنین اعلام کرده اند که بخاطر عدم پاسخ به خواستهایشان از اول تا دهم دیماه پنجمین دور اعتصابات سراسری خود را خواهند داشت. امروز رانندگان کامیون در شهرهای مختلفی چون کرمان، لوشان گیلان، مشهد، خرمشهر، بندر خمینی، شاپور اصفهان، قم و کرمانشاه در حالیکه در پاسخ

به فراخوان اعتصاب خطاری به مناسبت روز بیست و ششم آذر ماه دست از کار کشیده بودند، طی ابتکاری جالب با تهیه کلیپ هایی در توضیح اعتراض خود و فراخوان به اعتصاب ده روزه شان برای روزهای اول تا دهم دیماه، دستگیری کارگران گروه ملی فولاد اهواز را محکوم کردند.

گفتنی است که اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشورمشمتمل از ۲۶ انجمن و سندیکا نیز طی بیانیه ای حمایت خود را از کارگران فولاد اهواز اعلام کرده و خواستار آزادی فوری تمامی بازداشت شدگان گردید.

دور قبلی اعتراضات رانندگان کامیون ۳۲۰ شهر را در برگرفت. اعتراض آنان به به بساط اختلاس ها و مافیایی پایانه های حمل و نقل، قیمت سرسام آور لاستیک و وسایل یدکی کامیون و گرانتر شدن مداوم آنها، ناامنی جاده ها، شرایط دشوار کاری و درآمدهای ناچیز و در بسیاری اوقات پایین تر از حتی همان حداقل دستمزد تعیین شده دولت و محرومیت از هر گونه تامین اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان برای فرزندانشان است. یک خواست همه رانندگان آزادی رانندگانی است که در جریان اعتراضات قبلی بازداشت شده بودند و شمار آنها بیش از ۲۵۰ نفر میرسید. برخی از آنها بعدا آزاد شدند اما همچنان شمار نا معلومی در زندانند. رانندگان تاکید دارند که همه رانندگان زندانی باید آزاد شوند و به بازداشتها و دستگیریها، امنیتی کردن مبارزات و نداشتن حق تشکیل پایان داده شود. یک تاکید مهم مبارزاتی رانندگان کامیون اتحاد و همبستگی بخش های مختلف جامعه بوده است.

رانندگان کامیون با اعتراضات گسترده و سازمان یافته خود به اجافات و گرانیهایی و حقوقی ها جای خود را در مبارزات مردم علیه مافیایی حاکم باز کرده اند و شایسته حمایت پشتیبانی وسیع هستند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آذر ۱۳۹۷، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸



اطلاعیه های دیگر

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۱۲

نمایندگان پارلمان اروپا دستگیری کارگران فولاد را محکوم کردند. مسئولین اتحادیه و موگرینی هنوز ساکت هستند! ۲۸ آذر ماه چند نماینده پارلمان اروپا با محکوم کردن دستگیری کارگران فولاد خواهان آزادی فوری آنها شدند. این نمایندگان در عین حال از روسا و مسئولین اتحادیه اروپا خواستند به این دستگیریها عکس العمل نشان دهند. متن بیانیته نمایندگان اینست:

کارگران دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند

کارگران گروه صنعتی ملی فولاد اهواز مدت ۴۰ روز در اعتصاب بسر می‌برند.. ما مطلع شدیم که یکشنبه شب، ۲۵ آذرماه ۱۳۹۷، دهها تن از کارگران توسط نیروهای امنیتی ایران دستگیر شدند.. کارگران در اعتراضات همه روزه خود شعار می‌دادند: می‌ایستیم، می‌میریم، تحقیر نمی‌پذیریم نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد: تورم، گرانی، پاسخ بده روحانی. با وجود دستگیریها، کارگران در اعتراضات ادامه‌دار خود خواستار آزادی همکاران بازداشت شده، امنیت شغلی کارگران و قطع دستهای مافیای دولت در این صنایع هستند..

ما از رئیس پارلمان اروپا، و نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی، می‌خواهیم تا این دستگیریها را محکوم کنند و از رژیم ایران بخواهند تا تمامی دستگیر شدگان بلافاصله آزاد شوند.

تونه کلام، نماینده پارلمان اروپا از استونی، نایب رئیس گروه دوستان ایران آزاد

ادوارد کوکان، نماینده پارلمان اروپا و وزیر خارجه سابق اسلواکی

مارک دمسماکر، نماینده پارلمان اروپا از بلژیک، رئیس فراکسیون حزب اتحاد ملی فلامان

جولی وارد، نماینده پارلمان اروپا از حزب کارگر انگلستان

هاینز بکر، نماینده پارلمان اروپا از اتریش

یوزو رادوش، نماینده پارلمان اروپا و وزیر دفاع سابق کروآسی

//////////

در حالیکه در ایران روزانه صدها نفر در خیابان هستند و با صدای بلند به فقر و گرانی و نپرداختن دستمزدها و به مافیای حاکم اعتراض میکنند، کماکان اتحادیه اروپا در صدد نجات حکومت اسلامی ایران و کمک به سرپا ماندن این حکومت

است. اتحادیه اروپا حتی به دستگیر و شکنجه کارگران و مردم اعتراض نمیکند و سر خود را زیر برف کرده و کماکان به فکر داد و ستد با جانیان حاکم بر ایران است.

کمپین آزادی کارگران فولاد سیاست مماشات و همراهی اتحادیه اروپا با حکومت اسلامی ر سکوت این نهاد در مقابل دستگیریهای گسترده کارگران فولاد را محکوم کرده و یک جنبه از اعتراضات بین المللی را تحت فشار گذاشتن دولتها و نهادهای بین المللی برای عدم حمایت از جمهوری اسلامی ایران و قطع روابط دیپلماتیک با این حکومت میداند.

کمپین آزادی کارگران فولاد

۲۹ آذر ماه ۱۳۹۷

۲۰ دسامبر ۲۰۱۸

سپیده قلیان، آزاد شد، آزادی او را به همگان تبریک میگوییم



صبح روز بیست و هفتم آذر ماه سپیده قلیان دانشجویی که در یورش به کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده بود، با وثیقه ۵۰۰ میلیون تومان آزاد شد. آزادی سپیده را به او، به خانواده اش، به همه کارگر و به مردمی که برای آزادی او و دیگر بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه جانانه تلاش کردند، شادباش میگوییم. از سوی کمپنی برای آزادی کارگران زندانی و به سهم خود از همه کسانی که به کارزار آزادی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه پیوستند. از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه حمایت و پشتیبانی کردند و نیز نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان که این کارزار را همراهی کردند، سپاسگزاری میکنم. علی نجاتی و عسل محمدی دو نفر دیگر از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه هنوز در زندانند. بعلاوه در دو روز اخیر ۴۱ نفر از کارگران معترض گروه ملی فولاد اهواز بازداشت شده اند. علی نجاتی، عسل محمدی و تمامی

کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای سپیده قلیان و تمامی دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه و گروه ملی باید فوراً بسته شوند. تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین سیاسی باید لغو شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

rshahla.Daneshfar

@gmail.com

http://free-them-

now.com

۱۸ دسامبر ۲۰۱۸، ۲۷ آذر ۹۷

به خواست خانواده بهنام ابراهیم زاده وسیعاً پاسخ دهیم



بهنام ابراهیم زاده باید فوراً آزاد شود بهنام ابراهیم زاده فعال کارگر و مدافع حقوق کودک در ۲۱ آذر ماه دستگیر شد. خانواده بهنام طی نامه ای در بیست و سوم آذر ماه خطاب به همگان خواستار حمایت وسیع از او و آزادی فوری و بدون قید و شرط بهنام شده اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است:

"ما خانواده بهنام ابراهیم زاده از همگان میخواهیم که در دفاع از بهنام کنار ما باشند و به محکوم کردن او به زندان و دستگیری اش اعتراض کنند. ما از همگان میخواهیم که کمک کنند که بهنام را آزاد کنیم. بهنام مجرم نیست. بهنام مدافع انسانیت است. جای بهنام زندان نیست. بهنام باید فوراً آزاد شود." متن کامل این نامه و ترجمه انگلیسی آن ضمیمه است.

به حکم زندان بهنام ابراهیم زاده و دستگیری او وسیعاً اعتراض کنیم. خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و لغو حکم امنیتی برای او شویم. بهنام باید فوراً آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar2@gm

ail.com
http://free-them-
now.com

۱۴ دسامبر ۲۰۱۸، ۲۳ آذر ۹۷

نامه سرگشاده خانواده بهنام (اسد) ابراهیم زاده
بهنام مجرم نیست. بهنام مدافع حقوق انسانهاست

بهنام يك فعال کارگری ويك فعال دفاع از حقوق کودک است. او همیشه مدافع حقوق انسانها بوده است و به خاطر دفاع از همین اهداف قبلاً نیز هفت سال در زندان گذرانده است. بهنام بعد از آزادی نیز همین راه را ادامه داده و همواره مشغول کمک به هموعان و کودکان زلزله زده کرمانشاه و سرپل بوده است. بهنام عزیز ما در تاریخ ۲۹ آبان در دادگاهی غیبی در کرمانشاه با اتهام "تبلیغ علیه نظام" ۱۸ ماه حکم زندان گرفته است. مصادیق این اتهام انتشار اخبار مربوط به وضعیت نابسامان مردم زلزله زده سرپل ذهاب و وضع فجیع کودکان در این منطقه قید شده است. ما خانواده بهنام ابراهیم زاده از همگان میخواهیم که در دفاع از بهنام کنار ما باشند و به محکوم کردن او به زندان و دستگیری اش اعتراض کنند. ما از همگان میخواهیم که کمک کنند که بهنام را آزاد کنیم. بهنام مجرم نیست. بهنام مدافع انسانیت است. جای بهنام زندان نیست. بهنام باید فوراً آزاد شود.

۲۳ آذر ۹۷

۴ کودک دانش آموز

در آتش سوزی مدرسه سوختند!
آموزش و پرورش مسئول مستقیم
جان باختن این کودکان است!
باز هم فاجعه!

باز هم آتش سوزی در مدارس

در فاجعهای هولناک صبح امروز سه شنبه ۲۷ آذر، ۴ دانش آموز دختر در فاجعه آتش سوزی مدرسه دچار سوختگی بیش از ۹۰ درصد شدند و جان خود را از دست دادند. مریم نوکندی، صبا عربی، یکتا میرشکار کلاس اول، مونا خسروپرست پیش دبستانی، در آتش سوختند و جان دادند!

در ساعات اولیه صبح، پیش دبستان و دبستان غیردولتی دخترانه اسوه حسنه در زاهدان، دچار آتش سوزی شد. علت آتش سوزی، استفاده از چراغ نفتی برای گرم کردن کلاس درس بود. بر اثر واژگون شدن چراغ نفتی، کلاس به آتش کشیده شد و ۴ کودک دانش آموز دچار سوختگی شدید شدند و جان باختند. هنوز اطلاع دقیقی از وضعیت سلامتی دیگر دانش آموزان در دست نیست.

سیستان و بلوچستان یکی از فقیرترین و محرومترین استانهای کشور است. نه تنها

فمنیسم پست مدرنیستی و ...

بشود! کلان‌فنی جهانی شدن و تمدن و مدنیت جهانی یک پاشنه آشیل بورژوازی امروز است. و در نتیجه یک اسلحه کارآی جنبش رهائی زن جهانی بودن است. این جنبش می‌تواند مردم جهان را دور هم جمع میکند چون که تکنولوژی امروز با ماست. اینترنت با ماست، تویتر با ماست. انقلاب مصر جهانی شد، همین الان اخبار هفت تپه جهانی شده، نه بخاطر رسانه های رسمی بلکه بخاطر رسانه هایی که در دست خود مردم است. کلیپ ها را ما از آنجا میگیریم، این کلیپ هایی که در این سمنار دیدید را تلویزیون جمهوری اسلامی پخش نکرده، بی بی سی هم تهیه نکرده، مردم تهیه کردند و منتشر کردند. تکنولوژی جهانی با ماست. این هم یک تناقض دیگر برای پست مدرنیستها! با چنین تکنولوژی جهانی ای فرهنگ محلی و ارزشهای منطقه ای و لوکال را باد میزنند. فرهنگی که روی تکنولوژی ای که همه جهان را به هم

پیوند میدهد سوار میکنند، محلی - منطقه ای است. خیلی جالب است! دوره ای که همه چیز لوکال بود تلویزیون و رادیو و کامپیوتری نبود، بورژوازی ارزش های جهانشمول را داد میزد، اما روزی که تکنولوژی ارتباطی اجازه داده دنیا یک دهکده بشود، همه ارزشها محلی و لوکال شده است! ادعا میکنند ارزشهای دنیائی که همه با اینترنت به هم وصل شده اند و تلفن موبایل در جیب هر روستایی است محلی - منطقه ای است. ظاهراً ارزشها محلی - منطقه ای اند، ولی تکنولوژی و فرهنگ مادی مردم جهانی است! علم و تکنولوژی را نمیشود محلی و نسبی کرد. آخوند که نمیتواند با الاغ رفت و آمد کند و یا زن فمینیست که در همبستگی باز زن اسلامزده چادر سرش میکند نمیتواند برود کنار چشمه آب بیاورد و یا ظرف ها و لباسها را با آب سرد در رودخانه بشوید! ماشین لباسشویی و رختشویی میخواهد. این را نمیشود

محلی - منطقه ای کرد، این جهانی است. ولی وقتی میرسیم به آزادی زن، میگویند هر کس به دین و فرهنگ خودش. روی این تناقض باید بورژوازی را خرد کرد نه تنها در جنبش زن بلکه در همه عرصه ها. از کامپیوتر و اینترنت و رادیو تلویزیونیشان استفاده میکنند تا علم و فرهنگ و فلسفه ای که به این دستاوردهای مادی جهانی منجر شده را نفی کنند! باید روی این تناقض بورژوازی را کوبید و ما داریم اینکار را میکنیم.

یک شاخص دیگر که سیاسی تر است این است که جنبش رهائی زن باید خود را یک نیروی فعال و تعیین کننده علیه اسلام سیاسی ببیند. امروز آن چه که بیرق مذهب را در سیاست و در عرصه جنگ طبقاتی، همه جا و نه تنها در خاورمیانه، بلند کرده است، اسلام سیاسی است. و پاشنه آشیل اسلام سیاسی مساله زن است. یک وجه مشترک جریانات مختلف اسلام سیاسی،

داعش، جمهوری اسلامی، اردوغان، اسلام "معتدل" روحانی و سرش، مجاهد و دیگر جریانات اسلامی، زن ستیزی همه این نیروها است. باید با پرچم رهائی زن بجنگ اینها رفت و با این پرچم اینها را نقد کرد و کنار زد. جنبش رهائی زن بویژه در شرایط امروز باید یک خصلت رادیکال ضدیت با جنبش اسلام سیاسی و با دولتها و نیروهای فوق ارتجاعی این جنبش در همه جای دنیا داشته باشد.

و بالاخره با توجه به همه ویژگیهایی که توضیح دادم نقد پایه ای نظری و تئوریک پست مدرنیسم از زاویه مساله زن و بی حقوقی زن یکی از وظایف اصلی جنبش رهائی زن در دوره ما است.

من صحبتم را با این تمام می کنم که در ایران زنان از بی حقوق ترین ها هستند. کسی که میشوند در جمهوری اسلامی زن حق ندارد حتی بعنوان تماشاچی به ورزشگاه برود شاید فکر کند ورود به ورزشگاه و امتیازاتی از این قبیل زن ایرانی را راضی خواهد کرد. به

نظر من کسی که به این نتیجه میرسد اشتباه میکند. منصور حکمت میگفت نمیتوانید به مردم کمی آزادی بدهید و راضیشان کنید. مردم همه آزادی را میخواهند. نمیتوانید زن را به دوره شاه برگردانید و بگوئید پیروز شدیم! حالا بجای روز تولد فاطمه زهرا روز کشف حجاب رضاخانی را جشن میگیریم. و در جستجوی مظهر زن آزاد بجای ۱۴۰۰ سال قبل، به ۲۵۰۰ سال قبل برمیگردیم! این دیگر جواب کسی نیست. میخواهم بگویم اینکه زن ایرانی را به قعر بی حقوقی رانده اند، معنایش این نیست که به کم رضایت میدهد بلکه این است که بر میگردد و در اوج آزادی می ایستد. ما همیشه گفته ایم انقلاب ایران ضربه نهائی را به اسلام سیاسی خواهد زد. من اضافه میکنم انقلاب ایران همچنین یک ضربه کاری به بی حقوقی زن در همه دنیا خواهد زد. خیلی متشکرم.

با تشکر از امیر توکل برای پیاده کردن متن سخنرانی

اطلاعیه های دیگر

مدارس و مهد کودک های شهرها هنوز با بخاری های نفتی و غیر استاندارد گرم می شود که بخش اعظم مدارس این استان کپری و بدون هیچگونه حفاظ و امکانات استاندارد در شرایط رقت انگیزی به حال خود رها شده است.

لاابالی گری و بی مبالائی عامدانه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در تهیه امکانات گرمایشی ایمن و استاندارد در سراسر کشور جان صدها هزار دانش آموز را تهدید می کند! هنوز خاطره دردناک آتش سوزی در مدراس سفیلان و درودزن فارس و شین آباد پیرانشهر، داغ بر دل خانواده های مصیبت دیده و دانش آموزان آسیب دیده می گذارد و امروز بار دیگر بازم در آتش سوزی مهیبی چهار کودک به طرز دلخراشی سوختند و جان باختند! مدارس نایمن بلای جان کودکان است! مسئولیت مستقیم این فاجعه با حکومتی است که با

تحمیل فقر و ریاضت اقتصادی، با تحمیل مدارس مخروبه و نایمن جان دانش آموزان را با خطر دائمی تهدید می کند! هزینه ایمنی مدارس در جیب گشاد آیت الله های گردن کلفت و آقا زاده های مفتخور، در مخارج نظامی، انتظامی و امنیتی بریاد می رود!

ما - نهاد کودکان مقدمند - خود را عمیقاً در درد و رنج خانواده های داغ دیده و مصیبت زده شریک می دانیم. بی شک مردم شریف زاهدان این خانواده ها را تنها نخواهند گذاشت.

برای پایان دادن به وضعیت فاجعه بار ایمنی مدارس باید اعتراض کرد! مقابل اداره آموزش و پرورش زاهدان دست به تظاهرات بزنید. خواهان رسیدگی فوری و اضطراری به اوضاع مصیبت بار مدارس شوید! همه واحدهای آموزشی غیر استاندارد تارفع خطر از آنها باید تعطیل شود! دولت موظف به تأمین ایمنی مدارس است!

نهاد کودکان مقدمند

۲۷ آذر ۱۳۹۷

۱۸ دسامبر ۲۰۱۸

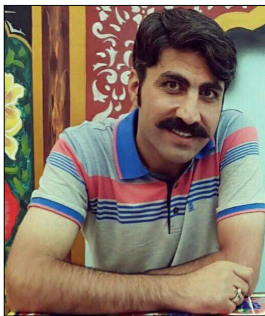
.....

آرام محمدی و امیر چمنی باید فوراً آزاد شوند آرام محمدی بازداشت شد



روز سه شنبه ۲۷ آذر ۹۷، آرام محمدی در شهر کامیاران برای اجرای حکم نود و یک روز حبس به زندان انتقال یافت. او به همراه جمعی دیگر از دوستانش به جرم برگزاری اول ماه مه، روز جهانی کارگر در شهرستان کامیاران دستگیر و محاکمه شدند.

امیر چمنی فعال کارگری در تبریز بازداشت شد



روز ۲۷ آذر امیر چمنی فعال کارگری و دانشجوی رشته حقوق دانشگاه پیام نور تبریز توسط نیروهای امنیتی در محل کار خود بازداشت و به زندان تبریز انتقال یافت. امیر در شهریور ماه امسال توسط دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی محاکمه و به اتهام تبلیغ علیه نظام به شش ماه زندان محکوم شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، بازداشت آرام محمدی و امیر چمنی را قطعانه محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنهاست. برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، داشتن حق تشکل و اعتصاب و تجمع و آزادی بیان، حقوق پایه ای کارگران و کل جامعه است.

اتهامات آرام محمدی و امیر چمنی از مصادیق بارز اتهامات امنیتی است. اینه کارگران تحت عنوان "تبلیغ علیه نظام" محکوم شده اند. تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و مردم معترض باید لغو شود و پرونده های آنان فوراً بسته شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com

۲۰ دسامبر ۲۰۱۸

۲۹ آذر ۹۷

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.newchannel.tv

www.anternasional.com

سایت حزب:

سایت روزنه:

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال: